

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ







# شهید مزارعی (ره)

\*\*\*

سلسله سخنرانیهای حضرت آیت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله)  
در سالیادهای آن شهید (ره)  
۱۳۹۴-۱۳۹۰ هـ ش





دفتر نشر آثار

حضرت آیت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله)

کابل، جاده شهید مزاری (ه)، شهرک صفا، حوزه علمیه دارالمعارف اهل بیت (ع)

+۹۳(۰)۷۸۱۱۸۰۵۳۶

### شهید مزاری (ره)

عنوان: شهید مزاری (ره).

پدیدآورنده: حضرت آیت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله).

پیاده کننده: حجت الاسلام زکریا رسولی (زید عزه).

ناشر: دفتر نشر آثار با همکاری معاونت فرهنگی مدرسه.

برگ آرا: علی عرفان.

حروف چینی: مجتبی حیدری.

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۷ ه.ش.

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه.

محل چاپ: نشر واژه.

قیمت: ۵۰ افغانی یا معادل آن.

تمام حقوق (انتشار، چاپ و ...) این اثر مربوط به دفتر نشر آثار می باشد!

مرکز پخش:

کتابخانه حوزه علمیه دارالمعارف اهل بیت (ع)

+۹۳(۰)۷۷۳۳۷۴۴۳۴

## فهرست

### جلسه اول

- ۱۶..... هویت‌های شهید مزاری<sup>(ه)</sup>.....
- ۱۷..... ضرورت بحث از هویت.....
- ۱۸..... هویت اسلامی.....
- ۱۸..... هویت ملی.....
- ۱۹..... هویت مذهبی.....
- ۲۰..... هویت قومی.....
- ۲۱..... هویت صنفی.....
- ۲۲..... اهمیت مرجعیت.....
- ۲۳..... ویژگی‌های شهید مزاری<sup>(ه)</sup>.....
- ۲۶..... خاستگاه او تقویت شود.....
- ۲۷..... تحت حمایت‌های غرب.....
- ۲۷..... آزادی خواهان.....
- ۲۹..... باز تولید کنیم.....



۲۹..... مزاری واقعی

### جلسه دوم

۳۴..... تذکره و آدرس

۳۵..... با کسی تعارف نداشت

۳۶..... کسی را توهین نکرد

۳۶..... علیه کسی فتوا نداد

۳۷..... کارنامه‌های درخشان

۳۸..... فرهنگ‌سازی

۳۸..... عاشورای سیاسی کشور

۳۹..... خاستگاه او

۴۰..... خطر تحریف

۴۱..... طرفدار کار بود

۴۲..... بسترسازی

۴۳..... بورسیه دانشجویی

۴۴..... مرجعیت کابلی

۴۵..... در جنگ به غیر از جنگ می‌اندیشید

۴۶..... خداوند مرگ پرچمدار ندهد

### جلسه سوم

۵۰..... نصیحت یک دوست

۵۲..... ابراهیم<sup>(ع)</sup> امت بود

۵۳..... مزاری<sup>(ع)</sup> امت بود

۵۴..... به مردمش جرأت داد

۵۵..... می‌تواند وارث حوزات باشد

۵۶..... مرگ پرچمدار

۵۷..... رهبری قراردادی نیست

۵۸..... شخصیت جهانی

- ۵۸.....جملاتش راهکار شد.....
- ۵۹.....از قضیه کوچی غافل نشد.....
- ۶۰.....استدلالش فقهی بود.....

### جلسه چهارم

- ۶۶.....سپاس و امتنان.....
- ۶۷.....حیات جامعه.....
- ۶۸.....حادثه کوچک نیست.....
- ۶۸.....مربوط به جهان اسلام.....
- ۷۰.....لزوم تدویر سیمینارها.....
- ۷۱.....محصول حوزه‌ها.....
- ۷۲.....برکات حوزه‌ها.....
- ۷۳.....استادش آملی بود.....
- ۷۴.....اسلام منهای روحانیت.....
- ۷۴.....اسلام عقیم.....
- ۷۶.....متعبد و متشرع.....
- ۷۸.....دست همه را بست.....
- ۷۹.....رقیبی برای همه.....
- ۷۹.....خاطرهای از مزاری<sup>(۵)</sup>.....
- ۸۰.....سه نمونه.....
- ۸۱.....میراث مزاری.....
- ۸۲.....میراث ابراهیمی.....
- ۸۳.....لقب سیدالشهدا.....

### جلسه پنجم

- ۸۸.....محبوبیت و ماندگاری.....
- ۸۹.....شخصیت فرا کشوری.....
- ۸۹.....مورد توجه شعرا و ادبا.....

- ۹۰.....مورد قبول همه.....
- ۹۲.....عوامل جاودانگی.....
- ۹۳.....ایثار و خودگذری.....
- ۹۴.....جایگاه ولی فقیه.....
- ۹۴.....کتابخانه می‌سازم.....
- ۹۵.....امکانات را او تهیّه کرده بود.....
- ۹۶.....پاداش خداوند.....
- ۹۷.....پول شخصی ندارم.....
- ۹۷.....متشرّع و متعبّد.....
- ۹۸.....اطلاع از تاریخ.....
- ۹۹.....انقلابی قبل از انقلاب.....
- ۹۹.....هفت قاطر.....
- ۱۰۱.....آثار چاپ شده.....
- ۱۰۳.....آثار در دست چاپ.....



## شناسه جلسه اول

- موضوع: هویت‌های شهید مزاری<sup>(۵)</sup>
- مناسبت: بیست و یکمین سال یاد شهید مزاری<sup>(۵)</sup>.
- زمان: ۲۳ حوت ۱۳۹۴ هـ.ش.
- مدت سخنرانی: ۳۰ دقیقه.
- مکان: حوزه علمیه دارالمعارف اهل‌بیت<sup>(۴)</sup>.
- سخنران: حضرت آیت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله).





## جلسہ اول

الحمد لله رب العالمين، بارىء الخلائق اجمعين، خالق السموات و الارضين، باعث  
الانبياء والمرسلين، الصلاة والسلام على النبي الاعظم، فخر العرب و العجم، سيدنا  
و نبينا و مولانا ابي القاسم المصطفى محمد<sup>(ص)</sup> [صلوات حزار] و على اهليته،  
الطيبين الطاهرين، المعصومين، الهدات المهديين، لاسيما بقيّة الله فى الارضين،  
روحي و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفدا.



اعوذ باللّٰه السّميع العليم من الشّيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم.

قال الله تعالى في كتابه و قوله الحق:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾<sup>(۵)</sup>

باغبانا گه، گه رفتن نبود

فصل، فصل سرخ خون خفتن نبود

چون تو رفتی سروها بی سر شدند

غنچه‌ها در موج خون پر پر شدند

سلام و عرض ادب دارم محضر علما، اساتید، نمایندگان محترم مجلسین، رهبران احزاب و نمایندگان بیوت مراجع عظام تقلید و شما حضار ارجمند وگرامی!

اجازه دهید بیست و یکمین سالیاد رهبر شهید<sup>(۵)</sup> و یارانش را تسلیت عرض کنم و از خدمت همه شما تشکر کنم، می‌خواهم از سنت اختصار استفاده کنم دقایقی خدمت همه سروران باشم.

### هویت‌های شهید مزاری<sup>(۵)</sup>

می‌خواهم هویت‌های رهبر شهید<sup>(۵)</sup> را فهرست کنم و نتیجه بگیرم، رهبر شهید<sup>(۵)</sup> هویت‌هایی داشت یکی از آن هویت‌ها هویت شخصی او بود، " هویت شخصی " او یعنی: عبدالعلی فرزند حاجی خداداد از منطقه مزار، این هویت را





همه دارند، تذکره او هویت شخصی او را می‌سازد، هویت دوم "هویت دینی" او است؛ رهبر شهید یک مسلمان بود، معتقد به اصول اسلامی و عامل به فروعات اسلامی و عقاید حقه و اعمال صالحه و تصمیمات بسیار درست و حسابی‌اش گواهی بر مسلمان بودن او است، وقتی می‌گوئیم هویت دینی؛ دین اعم است از مسیحیت و یهودیت و اسلامیت، هویت دینی او را اسلام و اسلامیت تشکیل می‌داد، یعنی: او یک مسلمانی بود معتقد به تمام مبانی اسلامی و عقاید حقه، هویت سومش "هویت ملی" او بود؛ افغانستانی بودن او هویت ملی او را تشکیل می‌داد، او افغانستانی بود و از جغرافیای این کشور که حدودش معلوم است و موقعیت و منطقه‌اش معلوم که در کدام منطقه قاره آسیا و در کدام نیم‌کره قرار دارد، هویت دیگرش "هویت صنفی" او بود؛ او یک روحانی بود، روحانی بودن هویت صنفی او را تشکیل می‌داد، او یک شخص برخواسته از حجره و مدرسه بود، او یک عالم زانو زده در محضر اساتید گرانقدر حوزات شیعه بود، هویت دیگرش "هویت مذهبی" او است؛ هویت مذهبی او را دوازده امامی بودن تشکیل می‌داد، او یک مسلمان دوازده امامی بود، هویت دیگرش "هویت قومی" او بود؛ هزاره بودن هویت قومی او را تشکیل می‌داد او یک هزاره و مرتبط به این تبار است و سایر هویتها.

### ضرورت بحث از هویت

این که هویتها را عرض می‌کنم به این دلیل است که هر کس هویت‌اش را اظهار می‌کند و نمی‌تواند از هویتش فرار کند، انسان بدون هویت معنی نخواهد داشت و انسانها با هویت‌هایشان شناخته می‌شوند شخصیت شخصی با هویت



شخصی او شناخته می‌شود، فلانی نوه فلانی از فلان منطقه از فلان کشور مربوط فلان آئین و هیچ کس نمی‌تواند هویت خود را کتمان کند و هویت‌های او ستون ساختمان وجودی او را تشکیل می‌دهد، هر که بخواهد یک هویت را تحقیر کند یک بخشی از حقیقت و هویت وجود او را تحقیر کرده است، هویتها باید مشخص باشد براساس هویت‌هایی که یک انسان دارد می‌شود او را مورد مذاقه، تحلیل و ارزیابی قرار داد اگر کسی را بی‌هویت بخوانید در حقیقت به او ناسزا گفته‌اید.

### هویت اسلامی

در برابر همه هویت‌های او حساسیت نشان داده‌اند، آنگاه که هویت اسلامی او مورد حمله و هجمه قرار گرفته بود، از این هویتش دفاع کرد، او زمانی که در عراق مبارزه می‌کرد برای دفاع از هویت اسلامی‌اش بود، زمانی که در ایران مبارزه می‌کرد برای حفظ هویت اسلامی و احیای این هویت بود، ساواک زندانش کرد، سیگار روشن را بر صورتش خاموش کردند چون جرم او مسلمان بودن او بود، مبارزات رهبر شهید قبل از انقلاب در دو کشور بزرگ عراق و ایران برای احیای هویت اسلامی او بود و همچنان مبارزان عراق و ایران اگر مبارزه می‌کردند در آن دوره سیاه برای احیای هویت اسلامی‌شان بودند، وقتی که در افغانستان تشریف می‌آورد و وضعیت او را به این جا می‌کشاند برای احیای هویت اسلامیش در این کشور شب از روز نمی‌شناسد.

### هویت ملی

علاوه هویت اسلامیش هویت ملی و کشوریش نیز مورد هجمه دشمن قرار گرفته بود، وقتی می‌بیند کشورش اشغال شده، او می‌دانست که من از این



خاستگاه برخوردار است و زادگاه افغانستان است، مادامی که خانه‌ام در اسارت باشد و فاقد هویت ملی باشیم در عراق و ایران ماندنم و بودنم معنی ندارد، من یک افغانستانی هستم وقتی افغانستانم مورد اشغال باشد در هیچ جای دنیا عزت ندارم، افغانستانی که کشور ندارد عزت ندارد ولو مبارز باشد، ولو مجاهد باشد، لبنان بروم، عراق بروم، ایران بروم، لبنان هم رفت ولی فرمود: مادامی که خانه‌ام در اشغال دشمن است و هویت ملیم از دستم گرفته شده است در اینجاها بودنم معنی ندارد، آمد در افغانستان برای احیای هویت ملی و نجات کشورش تلاش کرد.

حالا می‌دانید کسانی که در آمریکا، اروپا و جاهای دیگر بعد از آن که افغانستان اندکی سرپای خود شد احساس غرور و عزت می‌کند، قبل از آن که افغانستان آزادی نسبی را نداشت مهاجرین در هر جا بودند به عنوان یک آواره و فاقد مملکت و کشور چه توهینها که روا نداشته نشد، حالا از آن وضعیت نجات پیدا کرده‌اند ولی هنوز هم که هنوز است غربت و مهاجرت تمام نشده کسی که خانه ندارد عزت ندارد، حرمت ندارد بخاطری که این هویتش شدیداً آسیب دیده است، زمانی که دوره اشغال تمام شد و بحمدالله افغانستان موفقانه کشورش را از چنگال خرسان قطبی نجات داد این هویت به دست آمد.

### هویت مذهبی

بعد مطرح شد هویت مذهبی؛ بخشی از مبارزات بسیار خستگی ناپذیر و چانه‌زنیهای دائمی ایشان این بود که باید مذهبیم در قانون اساسی کشورم به رسمیت شناخته شود، من افغانستانی هستم، اما در افغانستان شیعه‌ام، مادامی



که مذهب جعفری در افغانستان به رسمیت شناخته نشود افغانستانی بودیم فایده‌ای نخواهد داشت و بر اساس تلاش آن شهید بزرگوار و گرانقدر بود ولو بعد از شهادتش مذهب جعفری به عنوان مذهب رسمی در قانون اساسی مطرح و رسمیت یافت و هر که این افتخار را به خود نسبت بدهد اشتباه می‌کند، شهید مزاری<sup>(۵)</sup> و مجاهدتهای او بود که هویت مذهبی همه ما را احیا کرد و در قانون اساسی آمد و این کار مبارزه می‌خواست.

دوران حکومت آقای ربانی با آن که خودشان را مجاهد می‌گفتند و مجاهد هم بودند و جهاد هم کرده بودند اما راضی نشدند هویت مذهبی شهید مزاری<sup>(۵)</sup> را به رسمیت بشناسند امضا نکردند مذهب جعفری را، رئیس جمهور کشور مسلمان بود، خودش هم مجاهد و داعیه‌ی جهاد را هم داشت ولی حاضر نشد مذهب شهید مزاری<sup>(۵)</sup> را رسمیت بدهد، ولی اولین کسی که در این قسمت گام بلندی را برداشت رئیس جمهور کرزی بود که در تاریخ چند صد ساله افغانستان اولین بار در زمان او مذهب به رسمیت شناخته می‌شود، ولی آن زمان شهید مزاری<sup>(۵)</sup> احساس می‌کرد که به روزهای رسمی شدن مذهبش نزدیک شده است.

### هویت قومی

در اواخر مبارزه، شهید مزاری<sup>(۵)</sup> می‌بیند که هویت قومی او تحقیر می‌شود، او هزاره بود و متعلق به این قوم، اگر می‌گفت من پشتون هستم کسی باور نمی‌کرد، اگر می‌گفت تاجیک و یا ازبک هستم کسی باور نمی‌کرد، چون معلوم بود که او یک هزاره بود و متعلق به این تبار، می‌بیند که هویتش تحقیر شده است.



نه امروز که دیروز و پریروز، قومش به دلیل هزاره بودن فروخته شدند، قتل عام شدند، مالیات بده طاقت فرسا شد و می بیند که هزاره بودن جرم است، برای احیای این هویت که هویت همه هزاره‌ها بود فریاد کشید و فرمود: «هزاره بودن در این کشور نباید جرم باشد و نباید گناه تلقی گردد» و این هویت را زنده و احیا کرد و او هویت اسلامی، هویت ملی و هویت قومی را زنده کرد.

### هویت صنفی

در آن شرایط هویت صنفی خود را نیز نشان داد که من متعلق به جامعه روحانیت هستم، متعلق به حوزه هستم و همچنان در احیای هویت صنفی مردمش نقش برجسته ایفا کرد، در آن شرایط که دود بود و باروت، سنگر بود و سنگین‌نشین، به آیت الله العظمی کابلی گفت شما در کابل نمائید، ما در کابل هستیم بس است، ما که از درس و بحث و تدریس و تدرّس ماندیم بس است، شما بروید قم و هویت صنفی این مردم که شیعه هستند و نیاز به رساله، فتوای مرجع تقلید و دستورات مذهبی دارند احیاء کنید، ما که صلاحیت و توانایی مرجعیت را داریم چرا مستقل نباشیم.

علاءالدین بروجردی نماینده وزارت خارجه ایران می گفت: من نفهمیدم که چرا آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> مرا خواسته و برایم می گوید که این آقا را - اشاره به آیت الله کابلی - ببرید در قم، من با طیاره خودم ایشان را بردم در قم، نفهمیدم که سر ما یک بلا می آید، اگر می فهمیدم که ایشان اعلام مرجعیت می کند اصلاً ایشان را نمی بردم. به هر حال وی در احیاء هویت صنفی چنین نقش برجسته دارد، این هویت‌هایی را که عرض می کنم هویت شخصی ایشان نیست، هویت



صنفاى او و هویت عدهى كثرى است، هویت منطقه‌اى او و هویت اسلامى او مربوط به عدهى كثر و جمع غفیر مى‌شود و این كه داشتن مرجع و مرجعیت چه آثار و بركاتى خواهد داشت، مردم غافل بودند آلا شهید مزاری<sup>(ه)</sup>، او مى‌دانست كه مرجعیت اتكای مردم ماست، مرجعیت پناه‌گاه مردم ماست و مرجعیت نجات دهنده مردم ماست، این مهم را شهید مزاری<sup>(ه)</sup> مطرح كرد كه استقلال مذهبی مردم ما مرهون طرح و پلان آن بزرگ مرد است.

### اهمیت مرجعیت

در شرایط فعلی هم اكثریت ما اهمیت داشتن مرجع و مرجعیت را درك نكرده‌ایم، اگر دقت كنیم به دست مى‌آید كه در تاریخ دیروز و امروز، ایران، عراق و افغانستان را مرجع و مرجعیت نجات داده است، خطر داعش در عراق در پناه عنایات مرجعیت دفع شد، فتوای تحریم تنباكو توسط میرزای شیرازی در مقابل شر انگلیسیها توسط فتوای مرجعیت دفع گردید.

با توجه به این اهمیتی كه مرجعیت داشته است شهید مزاری<sup>(ه)</sup> بسیار به جا انگشت گذاشت، افغانستان امروز ما را هم آن كه نجات خواهد داد مرجعیت خواهد بود، سیاسیون ما خوب است، خدمات آنان را قدر مى‌دانیم و غنیمت مى‌شماریم برای مردم ما، دعای سلامتی‌شان را مى‌كنیم ولی اگر مرجعیت پشت سرشان نباشد نمى‌توانند مردم ما را نجات بدهند.

فتوای مرجع است كه جان دادن مرا آسان مى‌كند، آیا مى‌شود من به دستور يك آقای سكولار جان بدهم؟ آیا شما حاضر هستيد به دستور يك لبرالیست خون خود را بدهید؟ آیا هزاران انسان در سنگرهای دفاع به حرف يك انسانی كه



وقتی وارد وزارت خانه شد اول آفتابه‌ها را جمع کرد که دوره وضو گذشت، خون خود را می‌دهد؟ و خون دادن کار آسانی نیست، پشتوانه فقهی می‌خواهد، پشتوانه الهی و شرعی می‌خواهد.

آیا بخاطر سه شعار دیروز کمونیستها (نان، لباس و مسکن) عاقلانه است که انسان خون بدهد؟ آیا عاقلانه است که بخاطر رسیدن به خانه خونم را بریزم، من که باشم، لباس، نان و خانه ارزش دارند، من که نباشم نان و لباس و خانه برای چه؟ یا بخاطر شعار امروز غریبها (ثروت، قدرت و لذت) جانم را بدهم؟ مگر عاقلانه است؟ آیا معقول است که بخاطر رسیدن به موتر، خانه و ملیارد شدن خونش را بریزد و امثال اینها؟!

غرض این است که مرجعیت نجات دهنده است و پیروزی مردم افغانستان علیه روسها نیز از همین خاستگاه برخوردار بود، بنابراین در این مسئله بسیار حساس و مهم شهید مزاری<sup>(ره)</sup> توجه داشت.

### ویژگیهای شهید مزاری<sup>(ره)</sup>

باید بیرسم مطلبی که ایشان را برجسته ساخته است چیست؟ یکی از امتیازات ایشان این بود که ایشان "عالم" بود، عالم با غیر عالم متفاوت است، قرآن می-فرماید:



﴿... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...﴾<sup>۱</sup>

- آیا کسانی که عالم است با کسانی که عالم نیست برابرند؟

هر کس عالم را با غیر عالم برابر بداند مقابل قرآن ایستاده است، قرآن می گوید: مساوی نیست، امروز می بینیم در دنیایی که شعار علم و دانش سرداده می شود اما دانشمندان را خانه می نشانند و جاهلان را به قدرت می رسانند در حالی که به حکم قرآن عالم از غیر عالم متفاوت است و ما دنبال چنین رهبری راه افتادیم که عالم است.

ایشان علاوه این که عالم بود سطوح عالیّه را تمام کرده بود و قوه استنباط در وجودش پیدا شده بود "مجاهد" هم بود، عالم مجاهد با عالم غیر مجاهد متفاوت است:

﴿... فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾<sup>۲</sup>

- خداوند می فرماید: مجاهد بر غیر مجاهد برتری دارد.

هر کس بگوید: مجاهد با قاعد مساوی است مخالف قرآن صحبت کرده است، علاوه عالم بودن و مجاهد بودن ایشان در جهاد و مجاهدت خود "صادق" هم بود خداوند می فرماید:

۱ - الزمر، الجزء ۲۳، الآیة: ۹.

۲ - النساء، الجزء ۵، الآیة: ۹۵.





﴿... كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾<sup>۱</sup>

- با صادقان باشید.

هر که صادقانه وارد کار می‌شود با آنان باشید، ایشان از رهبرانی بود که صداقتش را همه قبول دارد، موافق و مخالف می‌گوید: «ایشان صادق بود.»

پس ایشان رهبری بود "عالم"، "مجاهد" و "صادق" و نیز "مهربان" و "دلسوز" بود، صفتی که خداوند در وصف پیامبرش می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

یکی از اوصاف پیامبر این است که نسبت به مؤمنین رئوف و مهربان بودند، رهبر شهید واقعاً مهربان بود در آن شرایطی که جز جنگ، کشتار، مرمی و قساوت چیزی دیگر نبود، ایشان به فکر بورسیه بودند؛ باکو از ایشان درخواست کمک کرده بود، ایشان گفته بود که من به حکمتیار می‌گویم که شما را در جنگتان یاری برساند شما هم برای ما در مقابل بورسیه بدهید که فرزندان ما درس بخوانند و از کاروان علم و دانش پس نمانند هم حزب اسلامی و هم حزب وحدت رفتند باکو و آذربایجان را آزاد کردند.

۱ - التوبة، الجزء ۱۱، الآیة: ۱۱۹.

۲ - التوبة، الجزء ۱۱، الآیة: ۱۲۸.



چون ما در آینده استاد، مدیر، مدبر، کارمند، متخصص و چیز فهم لازم داریم، سه صد و بیست نفر از فرزندان ما رفتند در باکو بورسیه شدند و درس خواندند و مهربان بود که در آن زمان به فکر بورسیه بود این ویژگیاها او را متمایز ساخته است، او در تمامی عرصه‌ها ما را زنده کرد که حتی ازبکها از برکت هدایات او جان گرفتند و زنده شدند.

### خاستگاه او تقویّت شود

این نکته را دقت کنید که خاستگاه شهید مزاری<sup>(۵)</sup> را باید بشناسیم و تقویّت کنیم، خاستگاه او حوزه بود، آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> در هیچ دانشگاهی درس نخوانده است، همین کتابهای حوزوی را خوانده بود و یک روحانی بود، لذا دلسوز شد برای مردمش، دلسوز شد برای قومش، دلسوز شد به اسلام و مذهب.

اگر مسئله هویت‌های تحقیر شده مطرح می‌شود کسانی که هویتشان تحقیر شده است می‌فهمند معنی حرف را، اما آن هویت‌هایی که تحقیر نشدند نمی‌فهمند، ازبکها معنی هویت را فهمیدند، ما فهمیدیم برای این که فرزندان ما با سه شاهی فروخته شد، فرزندان ما به غلامی استخدام شد و بیشتر از این سر این زخم را باز نکنم، اگر بخواهیم مزاری و مزاریها بسازیم باید خاستگاههای مزاری و مزاریها را تقویّت نماییم، حوزات شیعه را تقویّت کنیم، بخواهیم جامعه و مردم را سکولار بسازیم از میان جامعه و مردم سکولار مزاری و مزاریها تولید نخواهد شد، بخواهیم مردم را لیبرالیست بسازیم از جامعه لیبرال مزاری تولید نمی‌شود، در جامعه‌ای که شراب حرمت نداشته باشد و نوشیدن آن عادی باشد در آن جامعه مزاری



تولید نمی‌شود، در جامعه‌هایی که قمار و ربا رسمی باشد و زنا محبت به حساب آید مزاری و مزاریها سبز نخواهند کرد.

### تحت حمایت‌های غرب

نظام‌هایی که امروز تحت حمایت غرب هستند می‌خواهند بی‌دینی را ترویج کنند، لیبرال‌سیم را ترویج کنند، ابتدال را ترویج کنند، سکولاریزم را ترویج کنند، از این گونه جوامع مزاری تولید نمی‌شود، زنان را حمایت می‌کنند، چگونه حمایت می‌کنند؟ به کورس‌های دکمه‌شانی راهنمایی‌شان می‌کنند، از کورس دکمه‌شانی مزاری تولید نمی‌شود، از کورس خیاطی و آرایشگری مزاری تولید نمی‌شود، از جامعه دینی مزاری تولید می‌شود، از جامعه روحانی مزاری تولید می‌شود، از رونق حوزه‌ها مزاری تولید می‌شود، نه از جوامعی که قاتل معنویت و روحانیت هستند.

امروز هم که غرب به بهانه شعار مدرن انسانها را قصابی کرده است اخلاق را گرفته، دین را گرفته، ارزشهای معنوی را گرفته، خانواده را گرفته، عبادت و نیایش را گرفته، انسان را قصابی کرده به این معنی که نیمی از انسان را ابقاء کرده که همان حیوانیت باشد و نیمی دیگر را می‌راند که همان معنویت باشد.

### آزادی خواهان

امروز هم یک عده‌ای می‌خواهند مزاری را قصابی کنند، هویت‌های دینی، مذهبی، ملی و قومی او را زشت و ناپسند می‌خوانند، فقط هویت مبارزاتی و آزادی‌خواهی او را برجسته می‌نمایند، بلی! که مزاری آزادی‌خواه بود، بلی! که



مبارز بود، لذا او را مقایسه می‌کنند با گاندی، مقایسه می‌شود با مارتین لوترکینگ، مقایسه می‌شود با نیلسون ماندلا، ما قبول داریم که یک بُعد مزاری با آنان قابل مقایسه است که همانا بُعد مبارزاتی، آزادی‌خواهی و انسان‌دوستیش باشد ولی آن امتیازاتی که شمردم برای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> نه گاندی داشت، نه مارتین لوترکینگ و نه نیلسون ماندلا.

بلی! نیلسون ماندلا آفریقای جنوبی را نجات داد از دیکتاتوری رژیم آپارتاید، مردمش را آزاد ساخت ولی نه معتقد به خداوند بود، نه معتقد به انبیاء بود، نه معتقد به ائمه هدی<sup>(۶)</sup> و نه معنویت و قداست داشت، مارتین لوترکینگ سیاهان آمریکا را نجات داد، سیاهان را وارد عرصه سیاسی-اجتماعی کرد، ولی از خدا، شریعت و ارتباطات معنوی بویی نبرده بود، گاندی یک هندی آزادی‌خواه بود، ملت خود را نجات داد، آن را هم از یک رهبر دینی الهام گرفت که آقا حسین بن علی<sup>(۷)</sup> بود و گفت من از عاشورا الهام گرفتم، من از حسین<sup>(۸)</sup> یاد گرفتم که چگونه برای مردم هند آزادی به ارمغان بیاورم و گفت: «ملت هند اگر می‌خواهد آزاد شوید به حسین<sup>(۹)</sup> اقتدا کنید اما آن مسائلی که شهید مزاری<sup>(۱۰)</sup> داشت گاندی نداشت.

به هر حال همه آزادی‌خواهان جهان برای ما قابل قدر است، گاندی، مارتین لوترکینگ، نیلسون ماندلا و دیگر آزادی‌خواهان ولی یک گوشه بسیار کوچک از امتیازات شهید مزاری<sup>(۱۱)</sup> با آنان قابل مقایسه است، اگر واضحتر بگوییم: اگر مزاری شیعه نبود، مسلمان نبود، عالم و روحانی نبود هزاره هم نبود ولی یک آزادی‌خواه بود آن وقت با آنان قابل مقایسه بود ولی این ابعاد دیگر مزاری<sup>(۱۲)</sup> را به دنیا



نمی‌دهیم، مسلمان بودن مزاری را، دین‌دار بودن مزاری را، مجاهد بودن مزاری را، متعبد بودن مزاری را، شیعه بودن مزاری را، افغانستانی بودن مزاری را، بلی! در یک بعد مزاری با آنان قابل مقایسه است که آزادی‌خواهی مزاری<sup>(ه)</sup> باشد و آن بُعد خیلی کوچک است،

### باز تولید کنیم

علیهذا افغانستان می‌تواند به وجود او افتخار کند چون او یک افغانستانی بود، هزاره می‌تواند به او افتخار کند چون او یک هزاره بود، شیعه می‌تواند به او افتخار کند چون او یک شیعه بود، منطقه می‌تواند به او افتخار کند چون او از خاورمیانه بود، اسلام می‌تواند به او افتخار کند چون او یک مسلمان بود، علما می‌توانند به او افتخار کنند چون او یک صادق بود، دلسوزان می‌توانند به او افتخار کنند چون او یک دلسوز بود، حوزه‌ها می‌تواند به او افتخار کنند بخاطری که او یک روحانی بود، اگر حوزه‌ها بتوانند یک مزاری دیگر تحویل جامعه بدهد جامعه را کافی است، که به انسانهای همانند شهید مزاری<sup>(ه)</sup> سخت نیاز داریم و فقدان وی خسارات فراوانی را بر ما تحمیل کرده است بنابراین باز تولیدش کنیم، و این باز تولید ممکن نیست الا از طریق حوزه‌های شیعه این خاستگاه‌های مهم را تقویت کنید تا شاید خدا لطفی کند، بعد ده سال و بیست سالی یک مزاری دیگر از همین حوزه‌ها برخیزد.

### مزاری واقعی

هویت‌هایی که عرض شد هرگاه مجموعه شود مزاری را تشکیل می‌دهد، پس او یک مجموعه بود، همان گونه که اسلام مجموعه است، انسان مجموعه است،

این را بدانید که مزاری اگر از هویت دوازده امامی بودن، روحانی بودن، مسلمان بودن، مجاهد، عالم، صادق بودن و هزاره بودن منسلخ شود دیگر مزاری واقعی نخواهد بود، مزاری واقعی کسی است که روحانی بودن او، مسلمان بودن او، افغانستانی بودن او، شیعه دوازده امامی بودن او، عالم بودن او، صادق بودن او، مجاهد بودن او، هزاره بودن او در کنار هم مطالعه شود، در این صورت مزاری<sup>(د)</sup> واقعی خواهد بود.

دعا می‌کنم خداوند هیچ ملتی را به مرگ رهبرش و هیچ لشکری را به مرگ سرلشکرش گرفتار نکند، کربلا تا عباس<sup>(ع)</sup> داشتند قلب همه آرام بود اما وقتی علم بی‌صاحب به خیمه‌گاه رسید وضعیت خیمه‌نشینان کاملاً دگرگون گردید، [گریه‌های شدید مردم] مردم ما هم هر روز شهید می‌دادند اما وضعیت نگران کننده نمی‌شد ولی وقتی که مزاری شهید شد مردم با پای برهنه به سیاخاک رسیدند، دیگر توهین شروع شد، تحقیر، دشنام آزار، زخم زبان [گریه‌ها و ضجه‌های حضار] خداوند هیچ قوم و ملت را به مرگ رهبرشان مبتلا و گرفتار نگرداند.

دعای استاد و آمین حضار!

## شناسه جلسه دوّم

- موضوع: تذکره و آدرس.
- مناسبت: بیستمین سال یاد شهید مزاری (ه).
- زمان: ۲۴ حوت ۱۳۹۳ هـ.ش.
- مدت سخنرانی: ۳۰ دقیقه.
- مکان: حوزه علمیه دارالمعارف اهل بیت (ع).
- سخنران: حضرت آیت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله).







## جلسہ دوّم

لاحول و لا قوّة الا باللّٰه العلى العظيم، أفوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد، الحمد لله ربّ العالمين، بارىء الخلائق اجمعين، خالق السموات و الارضين، باعث الانبياء والمرسلين، الصلّاة و السّلام على النّبى الاعظم، فخر العرب و العجم، سيّدنا و نبينا و مولانا ابى القاسم المصطفى محمّد<sup>(ص)</sup> [صلوات حضار] و على اهليته، الطّيبين الطّاهرين، المعصومين، الهدات المهديين، لاسيما بقيّة الله فى الارضين، روحى و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفدا.



اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم.

قال الله تعالى في كتابه و قوله الحق:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾<sup>۱</sup>

تشکر می‌کنم از برگزاری بیستمین سال یاد حضرت حجت الاسلام و المسلمین شهید مزاری<sup>(ره)</sup> و یارانش توسط معاونت محترم فرهنگی مدرسه دارالمعارف اهلبیت<sup>(ع)</sup> و تشکر می‌کنم از حضور گرم و گسترده شما عزیزان و پیروان آن شهید و تشکر می‌کنم از سخنزانیها و مداحیهای سخنرانان و مداحان و گروه تواشیح و مدیحه‌سرایی این مدرسه مبارکه، به اجازه همه شما عزیزان، اخصاً اساتید معظم این مدرسه و مهمانان ارجمند و شرکت کنندگان دقایقی را مختصر و گذرا در رابطه با ویژگیهای شخصیتی شهید مزاری<sup>(ره)</sup> و یارانش نکاتی را به عرض حضور می‌رسانم.

## تذکره و آدرس

شهید مزاری<sup>(ره)</sup> تذکره مردم است، تذکره معرف ما در همه دنیا است، مردم ما را به نام او می‌شناسند و او آئینه تمام‌نمای ماست و این کفایت که شخصیت او برای همیشه تاریخ در آسمان کشور ما درخشیده باشد قدر شهدای والا مقام مخصوصاً شهید مزاری<sup>(ره)</sup> و ستارگان پر فروغ کشور ما را باید بدانیم، "عراق" با شهید صدر و با شهدای گران قدر خاندان حکیم، "ایران" با امام خمینی<sup>(ره)</sup>،



"یمن" با شخصیت حسین هوسی، "لبنان" با سیدعباس دبیر پیشین حزب الله، "پاکستان" با محمدعلی جناح و "افغانستان" با سیدجمال‌الدین افغانی و مردم ما در عصر حاضر و قرون آتیه با شهید عبدالعلی مزاری<sup>(۵)</sup> شناخته می‌شوند، بنابراین کسانی که آدرس می‌شوند برای مردمش برای کشور و برای قوم و عشیره‌اش این آدرسها را قدر بدانیم، شهید مزاری<sup>(۵)</sup> کسی نیست که او را از آدرس مردم ما بشناسند بلکه مردم ما را از آدرس او می‌شناسند.

### با کسی تعارف نداشت

شهید مزاری<sup>(۵)</sup> رهبری بود دوراندیش، مصمم، جدّی و در مسیر تحقق اهداف بلند مردمش، هیچ مصاحبه او را ندیدم که غیر جدّی باشد و هیچ سخنرانی او را نشنیدم که جدّی نباشد و هیچ اتخاذ موضع او را ندیدم که جدی نباشد برای این که اتخاذ موضع برای او یک تکلیف بود، تکلیف از سوی خداست و مکلف باید وظیفه را انجام بدهد و کسی که از او مصاحبه ساخته است در مصاحبه‌ها باید جدّی سخن بگوید، کلماتش را، جملاتش را، آن هم مصاحبه‌هایی که سرنوشت-ساز است و آینده و فرجام یک ملت را رقم می‌زند، کسانی که اهل قلم است نباید قلمش را جدّی بگیرد باید با جدّیت در قبال هر حرف و هر جمله‌اش احساس مسئولیت کند.

بنابراین شما ببینید سخنرانیهای ایشان را، مصاحبه‌های ایشان را که یک جمله از باب مزاح و شوخی پیدا نمی‌توانید، یک کلمه هم از باب تعارف و غیر جدی مشاهده نمی‌کنید، هیچگاهی ایشان سلیقه‌ای و غیرجدّی با قضا یا برخورد نکرده است در حالی که ما در صحبت‌های سایر رهبران می‌بینیم آنچه که زیاد



است جملات بی معنی است، کلمات را زیادی می گویند، شش صفحه را جمع کنیم دو کلمه اساسی نمی شود.

### کسی را توهین نکرد

همین طور ویژگی دیگر ایشان این بود که در آن شرایطی که خون بود و باروت، کنترل خود را از دست نداد، او در جایی سخنرانی می کرد که جبهه و سنگر بود، در کنار بدن شهید، در کنار اشک مادران یتیم، در کنار زخم مجروحین سنگر، در بین گلوله و آتش سخن می گفت، اما هیچ گاهی به کسی توهین نکرد، هیچ کسی را مفسد نخواند، هیچ کسی را با کلمات رکیک یاد نکرد.

حالا این گوی و این میدان، تمام صحبت‌های ایشان ثبت است، بیایند رقبایشان پیدا کنند یک کلمه‌ای که بر خلاف عفت کلام و خلاف ادب خطاب کرده باشد، این می‌رساند که ایشان سخت بر خود مسلط بود و تمام صحبت‌هایش برای خودش معنی داشت و می‌دانست که در آینده محل قضاوت قرار می‌گیرد.

### علیه کسی فتوا نداد

او علیه هیچ کس فتوا نداد اما دیگران علیه او فتوا دادند، علیه ازبک و قومش فتوا صادر شد، علیه مزاری و قومش فتوا صادر شد، اما او هیچ گاهی علیه کسی فتوا نداد، او حریم فتوا را می‌شناخت، فتوا از خود صلاحیت فقهی می‌خواهد و برای کسی که علیه او فتوا داد گفت این کار شایسته نیست و در تاریخ می‌ماند.

قبلاً گفته شد که او هیچ کسی را توهین نکرد با آن که دیگران او را بارها و بارها توهین کردند، هر چند او کسی نبود که از این بادها بلرزد اگر صحبتها و



موضع‌گیریهای رهبران جهادی و سیاسی را بررسی کنید ده‌ها نقطه ضعف پیدا خواهد شد مخصوصاً در آن شرایط جنگی، ولی از سخنان ایشان یک کلمه‌ای هم بدست نمی‌آید که برای ما نقطه عیب باشد و ما بخاطر آن احساس سرافکندگی و انفعال کنیم که رهبر ما مثلاً چنین سخنی را بر زبان جاری کرده است فحش از او شنیده نشده، دشنام شنیده نشده، حتی حرف نامناسب شنیده نشده است، آن هم در شرایط و اوضاعی که عرض کردم اعصاب‌شکن بود و کنترل مشکل بود.

بنابراین رهبر شهید مزاری<sup>(ره)</sup> برای ما افتخار بود و افتخار است بر چنین رهبری می‌بالیم و چنین رهبری می‌تواند برای سالیان زیادی مردم ما را راهبری کند با آن که خودش در بین ما نیست.

### کارنامه‌های درخشان

او کسی بود که برای زدایش محرومیت مردمش فریاد کشید، نه محرومیت مردمش که محرومیت همه اقوام کشور، کارنامه‌های سیاسی او بسیار زیاد است، پل بامیان و پنجشیر را او ایجاد کرد، او برای اولین بار رابطه بین حزب قدرتمند وحدت و احمدشاه مسعود را ایجاد کرد و این کار در تحولات سیاسی کشور نقش بازی کرد و او اولین بار هماهنگ کننده جنرالان ناراضی دولت بود که منتهی شد به جنبش ملی اسلامی و سقوط حکومت کابل، او در ایجاد وحدت گروه‌های شیعه نقش اساسی بازی کرد و توانست همه گروه‌ها را بر یک محور جمع کند آلا گروه واحد که شاید قابلیت و لیاقت نداشت تا بر اتحاد و وحدت مردم ما گرد هم آید.



شهید مزاری<sup>(۵)</sup> مردمش را از یک "چالش تاریخی" نجات بخشید و خدمت او به "تاریخ مردم" ما بود، او رنج مردم را به تمام معنی خوانده بود و مطالعه کرده بود، او کسی بود که بر اساس مطالعات دقیق تاریخی اتخاذ موضع کرد و درد را تشخیص داد و انگشت روی درد گذاشت.

### فرهنگ‌سازی

او در چاپ و نشر کتابهایی که برای احیای هویت مردم ما نقش ایفا کرده بود نقش اساسی را داشت، سراج التواریخ را او چاپ کرد، کتاب میرغلام محمد غبار را او بانی شد و همین طور بخشهای عظیم از کارهای فکری-فرهنگی مردم ما را سبب گردید، پیام مستضعفین، هفته نامه حزب وحدت، مجله وزین حبل الله آثار زحمات آن رهبر شهید<sup>(۵)</sup> است که اکنون میراث ماندگار در دست مردم ماست و همین طور حرکت‌های جهت دهنده و بیدارگری که در تاریخ مردم ما مخصوصاً در عصر حاضر آفریده شد توسط زحمات ایشان بود، ایشان دقیقاً درک کرده بود که شعار چیست و عملکرد کدام؟ سخنی گفت و موضع عملی اتخاذ کرد که همه را منسجم کرد.

### عاشورای سیاسی کشور

اینک همه مزاری می‌گویند در حالی که او نیست تا مردم را تهدید یا تطمیع کند، مردم در فضای بسیار خالصانه از او سالگرد می‌گیرند، در اقصی نقاط اروپا، استرالیا، کشورهای منطقه، داخل افغانستان به هزینه‌های شخصی و بودجه‌های فردی، بودجه‌ها نه از حزب است و نه از انجمن و نه از اتحادیه‌ای، مردم به طور خودجوش در سالروز شهادت او که عاشورای سیاسی کشور ما است حضور پیدا



می‌کنند سیمینارها تشکیل می‌دهند، میزگردها تشکیل می‌دهند، محبوبیتی در میان مردم ما پیدا کرده است که این محبوبیت ریشه‌های معنوی و الهی دارد، او مصداق واقعی انسان خود ساخته بود.

از او در هیچ بانکی از بانکهای جهان افغانی باقی نمانده است، حتی خانه‌ای که بتواند در آن خانواده‌اش زندگی کند باقی نمانده است، او پاک باخته بود و این مسئله بسیار مهم است پاکی و تهذیب یک انسان در امور معنوی تعیین کننده است، او را می‌شود مقایسه کرد با خیلی از شخصیت‌های طراز اول جهان اسلام که قبلاً مطالبی در این خصوص بیان کردم، می‌توانیم از این جهت شهید مزاری<sup>(۵)</sup> را با مرحوم امام<sup>(۶)</sup> مقایسه کرد هنوز که هنوز است مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران به عکس او محتاجند به صحبت‌هایش نیازمندند برای اینکه هنوز هم نام امام حرکت آفرین و تحول‌ساز است.

### خاستگاه او

بزرگان ایران هنوز که هنوز است به عکس و نام آن بزرگوار محتاجند، هم مرحوم امام<sup>(۶)</sup> و هم شهید مزاری<sup>(۵)</sup> علاوه سایر مشترکات خاستگاه هر دویشان حوزه و حجره مدرسه بود، چه این که خاستگاه دینی و حوزوی یک خاستگاه محکم است و این خاستگاه‌ها را پاس بداریم، یعنی: اگر بخواهیم ابراهیمی دوّم، اخلاصی دوّم، ابوذر دوّم و بالاخره مزاری<sup>(۵)</sup> دوّم به جامعه تحویل بدهیم حوزه‌ها را تقویت کنیم، چه این که جز نهاد مدرسه هیچ نهادی قادر نیست چنین شخصیت‌های تحویل جامعه دهد هر گیاهی گُرد و منبسطی خاصی دارد که و در کجا برآید و در کجا رشد و نمو کند.



ما می‌توانیم سایر خسارات را جبران کنیم اما خسارات انسانی مثل رهبر شهید<sup>(ره)</sup> را جبران نمی‌توانیم، ما می‌توانیم سرکهای خراب کلینیکهای خراب، شفاخانه‌های خراب، زیر بناهای خراب و تخریبات فیزیکی وارد شده را با پول جهانی آباد کنیم اما فقدان شهید مزاری<sup>(ره)</sup> و یارانش را چگونه می‌توانیم جبران کنیم، مزاری با پول ساخته نمی‌شود مگر ممکن است با صد میلیون دلار یک مزاری بسازیم؟ ابداً!

پس باید این خاستگاه‌ها را تقویت کنیم پایگاه‌های علمی و دینی را که از آنها رهبران دینی تبارز خواهند کرد و نهاد مدرسه می‌تواند این خسارت را جبران کند نه دیگر نهادها.

### خطر تحریف

امروز شخصیت واقعی و حقیقی او را باید شناخت ولی خطری وجود دارد که خطر "تحریف شخصیت" و تحریف اهداف رهبر شهید<sup>(ره)</sup> است که نه شخصیت او را تحریف کنیم و نه اهداف او را، ممکن است از او چهره‌ای بسازند و ترسیم کنند به دنیا که او می‌خواست امپراطوری ایجاد کند یا می‌خواست خانی از خانان مغل باشد، در حالی که او می‌خواست بندگان الهی را "نجات" بدهد، او می‌خواست دین خدا را ترویج کند و بندگان خدا را از اسارت رها سازد و آن را هم از نقطه‌ای آغاز کرد که دقیق شناخته بود که از کجا باید آغاز کند.

امروز برخی می‌خواهند با حرکت‌های سکولاریستی چهره شهید مزاری<sup>(ره)</sup> را یک سکولار نشان دهند در حالی که او سکولار نبود و برخی می‌خواهند با حرکت‌های لیبرالیستی چهره او را لیبرالیست نشان بدهند در حالی که او





لیبرالیست نبود او یک عنصر واقعی دین محور بود، خدا محوری در وجود او نه تنها جوانه زده بود که به برگ و بار نشسته بود، خدا همه چیز او بود، رسالت‌های انسانی همه چیز او بود، نجات مردمش هم چیز او بود به معتقدات اسلامی سخت پای‌بند بود، اما تصاویری که منتشر می‌شود نوعاً روزگار جهاد اوست، چون شرایط سنگر او را مجبور به پوشیدن آن لباس کرده بود و نوعیت لباس نمی‌تواند ملاک قضاوت قرار گیرد، پوشش استثنایی مانند شرایط استثنایی یک استثناء است نه یک قاعده کلی.

### طرفدار کار بود

او سالهای سال کار کرد و طرفدار کار بود که اصل پروژه پیش برود مردم ما به پیروزی رسیده رهایی یابد ولو این که بنام این و آن باشد، او سالهای سال جلسه سخنرانی تشکیل می‌داد، استاد شفق سخن می‌گفت، نام و آوازه از ایشان بود اما کار را او می‌کرد و خیلی هم خوشحال بود که سخنرانیها به وجه احسن انجام شد چون برترین سخنران انتخاب شده بود، مسائل دیپلماسی که مطرح می‌شد، می‌گفت: آقای خلیلی برود بخاطری که قدش بلند و دیپلماسیش قوی است، کسی از انقلاب نمایندگی کند که قدش بلند و دیپلماسی‌شان قوی باشد، لذا او مناسب است تا من و تا همین اواخر هم سخنگو ساخت سیدرحمت الله مرتضوی را که او سخن بگوید، برای خودش سیمتی باقی نمانده بود، پیشرفت کار برایش مهم بود، حالا چه اشکال دارد بنام مرتضوی باشد، چه اشکال دارد بنام شفق باشد یا به نام خلیلی باشد، در حالی که این سعه صدر را هیچ کس ندارد حتی برای یک روز ریاست هم کارد به استخوان می‌رسد.



## بستر سازی

در شرایط اخیر که در بامیان او را دبیر انتخاب کردند خودش حاضر نبود در غیاب او را دبیر انتخاب کردند و آلا اگر خودش می بود دبیری را هم قبول نمی کرد، او طرفدار سمت نبود، او طرفدار پیشرفت کار بود، حالا به نام هر کسی باشد اشکال ندارد، اصل هدف کار بود که مردم نجات پیدا کنند، شخصیتی که بتواند به این اندازه سعه صدر داشته باشد کیست؟ کی حاضر است که بیست سال نام شفق باشد نام او نباشد، ولی او کار کند، بستر را او آماده کند، نام از کسی دیگر باشد هیچ عیبی ایجاد نمی کند.

معلوم است که خدا خواست در پایان عمر از این سرباز فدایی اش تجلیل و تقدیر کند، این را خدا خواسته است که او یک عمر با گمنامی زندگی کند در سه سال اخیر عمرش باید گمنام نباشد، او در طول انقلاب به خاطر خدا گمنام جهاد کرد خدا هم نامرد نیست نمی خواهد بنده اش در دنیا نام نیک پیدا نکند، بلی که در آخرت بهشت جایگاه مؤمنین است اما در دنیا هم می خواهد از بندگانش تقدیر کند.

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ﴾<sup>۱</sup>

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ﴾<sup>۲</sup>

۱ - الصافات، الجزء ۲۳، الآیة: ۱۳۰.

۲ - الصافات، الجزء ۲۳، الآیة: ۷۹.



این سلامها شعار است، شعاری که خداوند صالحان و انبیاء خود را تقدیر می‌کند، شخصیت‌های تأثیرگذار و سفرای خودش را تجلیل می‌کند، در قبال خاتم الانبیاء می‌بینید که خداوند امر کرده که باید نام او تا قیامت پنج وقت بر مناره‌ها خوانده شود و این خودش شعار است، خداوند شعار داده است که باید این انسان مخلصی که دین مرا ترویج کرده و بی‌ریا زحمت کشیده باید نام او در کنار نام من خدا تا دامن قیامت زنده بماند.

لذا خداوند متعال خواسته است که این شخصیت متدین و متعبد که یک عمر برای نجات مظلومان زحمت کشیده و متشرع و متعبد زندگی کرده نامش جاودانه گردد و اگر خداوند نخواسته بود یک چنین درخششی ایجاد نمی‌شد.

بنابراین دین شهدا را باید ادا کرد، سپاسگزاری و تشکر باید کرد و تشکرش این است که حداقل سال یک بار یادبودش را برگزار کنیم، همه شهدا برگردن ما حق دارند مخصوصاً کسانی که علاوه این که شهیدند آدرس ما هم شدند، آن سرداران بودند که ما بر سفره خون آنها نشستیم و لقمه‌های افتخار برمی‌داریم، امروز دنیا مردم ما را از آدرس مزاری می‌شناسد و این ساده نیست.

### بورسیه دانشجویی

او نگران سرنوشت شما بود که در شرایط سخت کابل دنبال بورسیه دانشجویی بود، در شرایطی که ما به دو نفر مجاهد نیاز داشتیم او چهارصد مجاهد را در باکو فرستاد برای جنگ آذربایجان و به باکو گفته بود: من در جنگ شما را کمک می‌کنم به شرطی که بورسیه بدهید و چهار صد نفر از ما برای تحصیل بپذیرید، این چهار صد نفر را در شرایط جنگ کابل برایشان بورسیه گرفت که رفتند و



درس خواندند و آن زمان دیگران نمی فهمیدند که بورسیه یعنی چه، در حالی که حالا ما در عرصه اخذ و دریافت بورسیه‌ها ناکام هستیم امّا او در آن شرایط برای چهار صد نفر بورسیه گرفت، از این جا بود که او محبوب همه است اگر او حالا می بود شاید بورسیه‌ها به هزار هزار و ده هزار می رسید او کسی نبود که تن به هر ذلت بدهد، او از موضع قدرت سخن می گفت، از موضع قوت و قدرت فریاد می کشید و حرفش هم بر کرسی می نشست.

### مرجعیت کابلی

به هر حال آقای شهید مزاری<sup>(ره)</sup> افتخار جامعه ما بوده و است ما به وجود چنین رهبری افتخار کردیم و می کنیم و همه ما محصولات فکری و فرهنگی او هستیم، اگر حمایت و زحمات او نبود اگر او آیت الله العظمی کابلی را وادار به نوشتن رساله نمی کرد آیت الله کابلی همان کسی بود که در پاسداران جهاد معاون جناب آقای استاد اکبری بود، از معاونت یک حزب بیشتر نمی توانست پروزا کند، حمایت او بود که رساله اش به چاپ رسید، ایران اجازه نداد بار اول پاکستان چاپ شد و بار دوم پنج هزار جلد را در قم چاپ کردیم.

مرجعیت در تاریخ افغانستان سدی را شکست که در تاریخ شکسته نشده بود، از برکت جرأت و جسارت شهید مزاری<sup>(ره)</sup> بود که باب مرجعیت در افغانستان باز شد.



## در جنگ به غیر از جنگ می‌اندیشید

او در آن شرایط جنگ و سنگر به چه چیزی که نمی‌اندیشید، به مسئله کوچی می‌اندیشید، به راه‌های مواصلاتی می‌اندیشید بار بار شهید ابراهیمی را طلب می‌کرد و می‌گفت آقای ابراهیمی مشکل میدان حل نمی‌شود در آینده یک راهی از سر هلمند باز کنیم، او در مزار بود ولی فکر راه بهسود را کرده بود در حالی که آن زمان نه کوچی بود، نه داعشی بود، نه طالبی بود، نه ناامنی میدان بود او در آن شرایط مشکل راه میدان را مطرح می‌کرد.

دوستم می‌خواست جنبش را با حزب وحدت ادغام کند، برایش فرمود: جنبش و هویت و برادران ازبک سرچایش باشد، ازبک با همان فرهنگ خود، با همان عنعنه ازبکی خود، با همان تشکیلات جدا باشد، اما همکار با حزب وحدت لذا ازبکی نبود که مرید شهید مزاری<sup>(۵)</sup> نشده باشد و طرح چهار جانبه شهید مزاری<sup>(۵)</sup> امروز در عمل پیاده می‌شود، خداوند روح آن رهبر گرانقدر و یارانش را از ما و شما شاد بگرداند.

درد سر زیاد نمی‌دهم فقط خواستم عرض ارادت و اخلاصی به مقام شهدا کرده باشم مخصوصاً شهیدی که رهبر و آدرس مردمش بود، مرگ چنین رهبری سخت است، ما در غرب کابل هر روز شهید می‌دادیم آب از آب تکان نمی‌خورد، سنگر از سنگر تکان نمی‌خورد ولی روزی که او به شهادت رسید خداوند آن روز را نیاورد، قبل از ظهر در یک محفلی بودم سالیاد یک شهید بود، پسر همان شهید گفت: روزی که ما به طرف چهار آسیاب فرار کردیم زمانی بود که همه



بی‌پدر و بی‌رهبر شده بودیم و مباران می‌شدیم، پدرم در همان بمبارانها شهید شده است.

### خداوند مرگ پرچمدار ندهد

خداوند روزی را نیاورد که مرگ رهبر و پرچمدار را ببینیم، خیلی سخت است، علی‌اکبر شهید شد مشکلی پیش نیامد، قاسم شهید شد زهیر شهید شد، مسلم شهید شد، حبیب شهید شد، با مرگ هیچ کدام مشکلی پیش نیامد ولی لحظه‌ای که علم بی‌صاحب عباس<sup>(ع)</sup> را آوردند دیگر قضیه متفاوت شد [گریه‌های شدید حزار] فرمود: «الآن انکسر ظهري» حالا کمرم شکست و «قلت حیلتی» توانم را از دست دادم، تا آن لحظه مولایم حسین<sup>(ع)</sup> چیزی نگفته بود، اما بعد از آن به خواهرش فرمود: «تهیئی للسفر» خواهرم آماده اسیری باش. [گریه‌های مردم]

تا او زنده بود نه دختر ما توهین شد، نه مادر ما تحقیر شد، و نه به سنگرداران ما، اما وقتی که او به شهادت رسید دیدیم آنچه را که شرح حالش صلاح نیست، حال ما در هجر رهبر کمتر از یعقوب نیست

او پسر گم کرده بود و ما "پدر" گم کرده‌ایم

دعای استاد و آمین حزار!

## شناسه جلسه سوّم

- موضوع: نصیحت یک دوست.
- مناسبت: نوزدهمین سالید شهید مزاری (ه).
- زمان: ۲۳ حوت ۱۳۹۲ هـ.ش.
- مدت سخنرانی: ۳۳ دقیقه.
- مکان: حوزه علمیه دارالمعارف اهل بیت (ع).
- سخنران: حضرت آیت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله).







## جلسہ سوّم

لاحول و لا قوّة الا باللّٰه العلى العظيم، أفوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد، الحمد لله ربّ العالمين، بارىء الخلائق اجمعين، خالق السموات و الارضين، باعث الانبياء والمرسلين، الصّلاة و السّلام على النّبى الاعظم، فخر العرب و العجم، سيّدنا و نبينا و مولانا ابى القاسم المصطفى محمّد<sup>(ص)</sup> [صلوات حضار] و على اهليته، الطّيبين الطّاهرين، المعصومين، الهدات المهديين، لاسيما بقيّة الله فى الارضين، روحى و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفدا.



اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم.

قال الله تعالى في كتابه و قوله الحق:

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ ...﴾

کجایید ای شهیدان خدایی

بلاجویان دشت نینوایی

اجازه دهید نوزدهمین سالیاد رهبر شهید<sup>(ره)</sup>، خورشید آسمان دپانت، بزرگ مرد تاریخ کشور، شهید عبدالعلی مزاری<sup>(ره)</sup> و یارانش را به شما تسلیت عرض کنم، از تشریف آوری همه بالاخص نمایندگان دفتر مرجع عالیقدر تشیع حضرت آیت الله العظمی فیاض<sup>(دام ظلله العالی)</sup> و رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان و یکایک اساتید و علما تقدیر و تشکر به عمل می آورم.

خدا را شاکریم که توانستیم باز هم سالیاد آن شهید والا مقام و یارانش را در مدرسه دارالمعارف اهل بیت علیهم الصلاة والسلام گرامی داشت بگیریم.

### نصیحت یک دوست

عاقلی از باب نصیحت گفت: لزومی ندارد در مدرسه سالگرد بگیرید، گفتیم: چگونه می توانیم فراموش کنیم حادثه بیست دوّم حوت سال ۷۳ خورشیدی را،



چگونه می‌توانیم فراموش کنیم دود و بارود غرب کابل را، چگونه می‌توانیم فراموش کنیم ضحّه‌ها و ناله‌های مادران، دختران و یتیمان مزاری را و چگونه می‌توانیم فراموش کنیم که دوستم گفت: دو هزار کفش را در سیاخاک از دکان بیرون کردم تا این پا برهنه‌گان بپوشند و به کس نرسید.

به جان شما سوگند! شبی که از بی‌بی‌سی خبر اسارت و شهادت او را شنیدم، چنان با این صدا و موج حساسیت پیدا کردم که دیگر بی‌بی‌سی را گوش نمی‌کنم، اخبار را از مجاری دیگر تعقیب می‌کنم، بی‌بی‌سی یک تکه صدای بابه مزاری<sup>(۵)</sup> را پخش کرد که اکثریت به یاد دارید.

گفتم: بسیار بی‌انصافی است که در قبال او و یارانش از خود حساسیت نشان ندهیم، مگر ما نیستیم کسانی که در سفره خون آنها نشسته‌ایم؟ مگر ما نیستیم، کسانی که ریزه‌خوار سفره و زحمات آنانیم؟ اگر آنها نبود آیا ما می‌توانستیم حوزه تشکیل دهیم؟ می‌توانستیم کتابخانه تشکیل دهیم؟ می‌توانستیم تجارت کنیم؟ می‌توانستیم سیاست کنیم؟ هرگز! ملتی که فداییان، جان بر کفان و شمعهای سوخته مسیر عزت خود را فراموش کند آن ملت سخت بی‌وفا و ناسپاس است، تا دارالمعارف اهل بیت<sup>(ع)</sup> و این حوزه علمیه پا برجا است ما از شهدا و مردم خویش جدایی نداریم و ما این خدمات را از برکات زحمات آنها برای مردم ارائه می‌دهیم و اگر خانه‌ای هم برای اهل بیت<sup>(ع)</sup> ساخته ایم از برکت زحمات آنان است، آنان جان دادند تا ما جان گرفتیم، به هر حال آیه‌ای که انتخاب کردم می‌خواهم کوتاه و مختصر ترجمه و تبیین کنم و شما را به خدا بسپارم.



## ابراهیم (ع) اُمَّت بود

در سوره مبارکه نحل آیه ۱۲۰ خداوند منان می‌فرماید:

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ ...﴾

ابراهیم (ع) یک اُمَّت بود، شما می‌دانید که اُمَّت اسم جمع است، در حالی که ابراهیم یک نفر بود و این سخن، سخن قرآن است، نه شعر شاعری است و نه جمله ادیبی و نه سخن یک سیاست‌مدار با قرآن نمی‌شود طرف شد، کلمات، حروف و اعرابش معنی دارد، خدای منان برای ابراهیم (ع) کلمه "اُمَّت" را اطلاق کرد، ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً﴾ او با قربانی کردن پسرش اسماعیل ثابت کرد که بنده خدا است و خدا هم ادیان بعدی را ادیان ابراهیمی می‌داند تا از او تقدیر کرده باشد و از ذرّیه او پیامبرانی را بر می‌انگیزد تا پاداش او باشد و ثمرات آنها به ابراهیم برگردد، ﴿...وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ خدا هم یاد می‌کند که: سلیمان (ع) از ذرّیه ابراهیم (ع) بود، داوود (ع)، زکریا (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) شخصیت‌های والا مقام انسانی و رسالت بر دوشان الهی بودند که خداوند می‌فرماید: افتخار همه برگشت دارد به ابراهیم (ع)، عیسویت و موسویت دین ابراهیمی بود و اسلام عزیز دین ابراهیمی است و هر سه اینها را ادیان ابراهیمی می‌گویند، خداوند خواسته که از این بنده خاضع و تسلیمش تا روزگار باقی است تجلیل کند، او را اُمَّت می‌خواند، ادیان بعدی را به



او نسبت می‌دهد، حج را آیین او می‌داند و به ندای او همه را به زیارت خانه‌اش فرا می‌خواند، همه تجلیل است، همه ارج‌گذاری است.

علیهذا تجلیل، بزرگداشت و گرامی‌داشت از انسانهای متدین و راست‌قامتان تاریخ سنت قرآنی است و خدای منان از ابراهیم<sup>(ع)</sup> تجلیل می‌کند، از پیامبر خاتم<sup>(ص)</sup> تجلیل می‌کند، تا روزگار باقی است باید به عنوان اذان در شب و روز پنج بار نام او در کنار نام خدا برده شود، تجلیل از محمد<sup>(ص)</sup>، ابراهیم<sup>(ع)</sup>، نوح<sup>(ع)</sup>، سلیمان<sup>(ع)</sup> و داوود<sup>(ع)</sup> یک سنت قرآنی است.

### مزاری<sup>(ره)</sup> اَمّت بود

بنابراین با استناد به این آیه می‌توانیم به جدّ بگوییم که شهید مزاری<sup>(ره)</sup> ما هم اَمّت بود، او زمانی که خود را برای نجات مردمش فدا کرد دیگر از حالت فردیت بیرون شد او یک شخص نیست، او در احساسات میلیونها مردم داغدار و عزادارش تجلّی پیدا کرده است، تحصیل کرده‌ها از او تجلیل می‌گیرند، علما از او یاد می‌کنند، سیاست‌مداران سالیاد او را گرامی می‌دارند، در روز شهادت او نه تنها افغانستانیها که در سایر کشورها هر جا پای یک افغانی نشسته است سالیاد او را گرامی می‌دارند در حالی که این همه مجالس به بودجه هیچ حزبی رو به راه نشده است و نمی‌شود، این حرکت‌های خودجوش مردمی دلیلی بر این است که او دیگر اَمّت شده است، او خود را برای نجات مردم فدا کرد و مردم هم یاد او را گرامی می‌دارند همان گونه که ابراهیم<sup>(ع)</sup> خود را برای نجات بشریت فدا کرد.



بنابراین شهید مزاری<sup>(ره)</sup> در رأس و سایر شهدا بر همه زندگان حق دارند که هر از چندگاهی یاد آنها را گرامی بدارند به یاد آنها شعر بسرایند چنانچه عزیز گرامی جناب سید عباس قاسمی که از نخبگان حوزه علمیه قم هستند و از دوستان کجران دایکندی ما شعری زیبایی را قرائت کرد که سروده خودشان هست، ایشان فارغ التحصیل مقطع لیسانس و فوق لیسانس از رشته ادبیات هست و در این میان صمیمانه‌ترین سروده‌هایش را دارد که فقط یک اثرش را خدمت شما قرائت کرد و این امور شهادت می‌دهد که شهید مزاری<sup>(ره)</sup> در عمق وجدانهای مردم زنده شده است.

### به مردمش جرأت داد

او از خود محصولی بر جای گذاشته است که هیچ کس نمی‌تواند منکر شود، حزب قدرتمند وحدت، محصول حرکت‌های شهید مزاری<sup>(ره)</sup> بود و هست، مرجعیت در آسمان دیتانت افغانستان محصول زحمات شهید مزاری<sup>(ره)</sup> بود و هست، حضرت آیت الله العظمی کابلی<sup>(دام ظلّه العالی)</sup> قبل از سال ۷۳ خورشیدی مجتهد و مرجع بود، از نجف که برگشت مجتهد بود، اما کی را جرأت که رساله بنویسد و کی را قدرت که نامش را به عنوان مرجع برای مردم اعلام کند، این شهید والا مقام بود که فرمود: ما در هر باب عزت طلب هستیم، چرا نتوانیم مرجع خود را مرجع اعلام کنیم؟ چرا نتوانیم دکتر خود را دکتر اعلام کنیم مگر ما قوم، دکتر، انجنیر، مرجع و پروفیسور نمی‌شویم؟ سیاست‌مدار، وزیر، وکیل و دبیر نمی‌شویم؟ مگر ما از دیگران چه کم داریم؟ حضرت آیت الله العظمی فیاض<sup>(مدظلّه العالی)</sup> شمس الفقها و افتخار تمامی حوزه‌های علمیه تشیع در سوریه، عراق، ایران و افغانستان در



زمان که محاضرات را نوشت مرجع بود، در زمان حیات آیت الله العظمی خویی (رحمت الله علیه) او مجتهد بود، اما چرا نتوانست رساله‌اش را بیرون بدهد تا این که یک پیرمرد بنام شهید مزاری<sup>(۵)</sup> از تبار این قوم در آسمان سیاست ظهور کرد و جرأت داد که علمای ما هم بتوانند رساله‌ی خود را بنویسد و اعلام مرجعیت نماید.

### می‌تواند وارث حوزات باشد

امروز امیدوارم که حوزه علمیه کابل قطعاً وراثت خواهد کرد از حوزه کهن نجف و حوزه قم، به دلیل نخبه‌هایی که داریم، ما الحمدلله ده‌ها شخصیت فاضل در دهلیز اجتهاد داریم و همین گونه مراجع بالفعل در شرایط حاضر داریم که از هیچ مرجعی تا هنوز کم نداشته بلکه برجستگی‌هایی دارد، اخیراً آیت الله العظمی فیاض (مدظله العالی) با منشوراتی که بیرون داده است دست همه فقها را بسته است، از زمان شیخ طوسی رحمت الله علیه در ایران، سوریه و عراق مرجعی شاید نباشد که بتواند فتوای ایشان را نقد کند و این افتخارت ماست، حوزه سوریه از ماست به اعتبار آیت الله محمدی بامیانی، به اعتبار احمدی و به اعتبار مقدس کوه بیرونی که مرحوم شد، چند روز پیش که اگر این چهره‌های دانش و فضل را از سوریه برداریم حوزه زینبیه می‌خواهد، اگر از نجف اشرف آیت الله العظمی فیاض را برداریم حوزه بی‌معنی خواهد شد، حضرت آیت الله العظمی سیستانی را خدا حفظش کند ایشان روز یک درس نمی‌گوید و فقط مرجع است، اما درس و بحث حوزه علمیه نجف بر مدار و محوریت آیت الله العظمی فیاض می‌چرخد، اگر یک روز حضرت ایشان نباشد و یا مریض شود درس حوزه تعطیل می‌شود، فیاض به



نجف اعتبار داده است و از شماسست و در قم حلقات بحث درسهای خارج مراجع عظام بدون فضلال افغانی رنگ خواهد باخت و جز فضلال افغانی کسی که بتواند درک کند محتوای نوشته‌های نائینی، کمپانی، جواهر، حدائق و محاضرات را وجود نخواهد داشت.

این باورمندی را به شما شهید مزاری<sup>(ه)</sup> داد که خوتان را باور کردید که ما می‌توانیم در مدارج علمی پروفوسور شویم مرجع شویم، سیاست‌مدار شویم، این باورمندی را او خلق کرد، پس همه مدیون او است و مرجعیت محصول مستقیم حرکت‌های فکری و عملی شهید مزاری<sup>(ه)</sup> و یارانش بود، همین طور امروز اگر ما سر بلند هستیم و در هر عرصه می‌درخشیم مرهون زحمات او و یارانش هست، نمی‌خواهم بیشتر از این شما را در این مقوله دردسر بدهم، غرض این است که شهید مزاری که ما از او این همه تجلیل می‌کنیم باز هم حقش یکی از هزار ادا نمی‌شود.

### مرگ پرچمدار

گفتند: ما یک شهید به نام شهید مزاری<sup>(ه)</sup> نداریم، دیگران هم شهیدند، عرض می‌کنم که: در کربلا هم حبیب شهید شد، هم مسلم شهید شد، هم عون شهید شد، هم جعفر شهید شد اما زمانی که عباس<sup>(ع)</sup> به شهادت رسید و پرچم حسین<sup>(ع)</sup> به زمین افتاد امام فرمود: «الآن انکسر ظهري» اکنون کمر حسین<sup>(ع)</sup> شکست، بلی که ما شهید زیاد داریم اما پرچمدار ما، رهبر ما، کسی که فریاد ما را سر می‌داد وقتی او به شهادت می‌رسد جبهه‌ی شیعه می‌شکند در آن زمان، روزی





که در دفتر آیت الله العظمی کابلی در قم سخنرانی می‌کردم و صدا کردم: «یا حرز من لا حرزله، یا دُخْر من لا دُخْرله، یا غیاث من لا غیاث له»

تا این جملات را می‌گفتم علما به شدت می‌گریستند، گفتم: خدایا! ای سنگر کسی که سنگرش را از دست داده، ای ذخیره کسی که ذخیره ندارد، ای پناه کسی که پناه‌گاه خود را از دست داده، ما سنگر خود را از دست دادیم، ما یک فرد را از دست ندادیم، شهید مزاری<sup>(ه)</sup> یک امت بود، همان گونه که ابراهیم<sup>(ع)</sup> یک امت بود، اطلاق امت بر ابراهیم<sup>(ع)</sup> و اطلاق رهبر شهید بر مزاری<sup>(ه)</sup> نه مبالغه است و نه گزافه‌گویی بلکه حقیقی است که تازه کم گفته‌ایم.

### رهبری قراردادی نیست

او کسی نبود که او را دنیا رهبر کرده باشد، یا احزاب سیاسی مطرح کرده باشد، او را دلارها و پولهای نفتی در رأس مردم آورده باشد، او را صداقتش، فداکاریش، اخلاص و دفاع جانانه‌اش از حقوق مردم مطرح کرد، رهبریت امر قرار دادی نیست، بلی که ریاست امر قراردادی است کسی رئیس یک حزب می‌شود رئیس یک سازمان و یک اتحادیه می‌شود و همین طور رئیس یک انجمن می‌شود، اما رهبر شدن امر قراردادی نیست ریاست برای یک سال، دو سال، سه سال، چهار سال و پنج سال است چهار سال من رئیس، دو سال فلانی، سه سال دیگر فلانی رئیس است ولی کسی که رهبر می‌شود او دیگر وقت نمی‌شناسد.

مردم می‌گفتند: حزب وحدت اسلامی افغانستان هر کسی را دبیر می‌گیرد بگیرد ولی رهبر ما مزاری<sup>(ه)</sup> است، مردم راهپیمایی می‌کردند و می‌گفتند شورای



مرکزی هر کسی را دبیر می‌گیرد بگیرد ولی ما بابه را می‌خواهیم، کار نداریم که دبیر حزب چه کسی هست و چه کسی نیست، ما از مزاری<sup>(د)</sup> گذشتنی نیستیم، او فریاد همه مظلومان بویژه فریاد مظلومان غرب کابل بود.

### شخصیت جهانی

این را هم عرض می‌کنم که آقای شهید مزاری<sup>(د)</sup> شخصیت کوچکی نبود، او را جنگها، جنجالها و وضعیت نظامی برای ما و به نظر ما کوچک نشان داده است او کسی بود که با امام خمینی<sup>(ره)</sup> هم دوش بوده است، ما در این سالگرد اجازه‌نامه و کالت از طرف امام خمینی<sup>(ره)</sup> را برای آقای شهید مزاری<sup>(د)</sup> از طرف مدرسه منتشر کردیم، به دست شما قرار خواهد گرفت، او در سال ۵۸ خورشیدی از سوی امام خمینی<sup>(ره)</sup> وکیل عام و تام و شخصیت با صلاحیت در نهضت و جهاد بوده است، او کسی بود که با حزب الله لبنان و دبیرش دائماً آشنایی داشت، محور کارش عراق، ایران، ترکیه، سوریه و افغانستان بود او در زندان ساواک با شهید رجائی در یک سلول بود او با خامنه‌ای با شهید بهشتی و هاشمی رفسنجانی هم فکر و همکار بود، ولی وضعیت جنگی افغانستان شخصیت او را طوری نشان داده بود که مردم فکر می‌کنند که او قهرمان غرب کابل است، او شخصیت جهانی و منطقه‌ای بود.

### جملاتش راهکار شد

امروز جملات او راهکار شده است برای سیاسیون، طرح "چهارجانبه" او همین حالا راه‌گشا است، "مشارکت ملی" او و همین طور سایر سخنان کلیدی او، در شرایطی که در غرب کابل دود و باروت می‌بارید یک کلمه‌ی که حاکی از



خشونت باشد در سخنرانی‌های او دیده نشده است، تمامی رقیبان شهید مزاری<sup>(۵)</sup> هرکاری هم نکنند نمی‌توانند در صحبت‌های او جمله‌ای را پیدا کنند که سوژه تخریب او شود، یک حرف نامناسب در سخنان او نیست، کسی که در جبهات جنگ زندگی کند نمی‌تواند آرام صحبت بکند ولی او چنان آرام صحبت می‌کرد که گویی در دانشگاه حرف می‌زند، معلوم است باورهای او به دین، اعتقادات و ارزشها او را صبور و آرام کرده بود چنان رعایت می‌کرد اصول سخن و ادب را که در سخنان او یک کلمه علیه رقبایش که موجب خجلت شود سراغ ندارید، یک کلمه‌ای که دشمنش او را علم کند که بلی مزاری<sup>(۵)</sup> شما این حرف را گفت پیدا نمی‌شود.

### از قضیه کوچی غافل نشد

آن روز شهید مزاری از "انتخابات" سخن می‌گفت، از "مشارکت ملی" و از "طرح چهارجانبه" سخن می‌گفت و حتی در آن شرایط جنگ از معطل "کوچی" سخن می‌گفت، در حالی که مسئله کوچی حالا مطرح شده است ولی او عمیقاً مسائل را می‌دانست، در محیط پوهنتون کابل از مسئله کوچی سخن می‌گفت، در حالی که مسئله کوچی را بعد از جنایات آنها در بهسود، خوات و ناهور مانعی نیست که مطرح کنیم و عده‌ای را عقیده بر این است که قضیه کوچی حالا هم به مصلحت نیست که مطرح شود ولی از منظر ایشان مسئله کوچی از جدیترین مسائل افغانستان بود.

علیهذا شهید مزاری<sup>(۵)</sup> را فراموش نکنید، روحانی بودن او یادتان نرود، فدائی بودن او یادتان نرود، شخصیت ملی و منطقه‌ای او یادتان نرود، بعضی می‌خواهد



از او یک شخصیت خدا نخواستہ بی‌باور، بی‌دین و بی‌پروا بسازد، او کسی بود که ماه‌های رجب و شعبان را روزه‌های مستحبی می‌گرفت، او در حوزه علمیه قم تا زمانی که درس می‌خواند از مراجع شهریه دریافت نکرد، با پول پدرش ارتزاق می‌کرد، پدرش به او پول فرستاد که باید برود به حج، ایشان می‌گوید: بخاطری که حج رفتن مزاحم درس من است حج نمی‌روم، بعد می‌رود پیش مراجع که وظیفه او چیست؟ آنها می‌گویند: وقتی که پول آمد حج بر شما واجب می‌شود اگر چه قبول پول هدیه واجب نیست لکن می‌توانید بپذیرید و حج بروید، بعد از طریق سوریه می‌رود سمت مکه که در سوریه راه‌ها مسدود می‌شود و از سوریه بر می‌گردد.

او چنان درس می‌خواند که در پنج سال در حوزه علمیه قم راه ده ساله را طی کرده بود، او در پنج سال سطوح عالیہ را تمام کرد، بعد شروع کرد به کارهای سیاسی و مبارزاتی برخیزا گفته‌اند که او سواد نداشت در حالی که سطوح را تحصیل کرده بود، خارج خوانده بود و قوه اجتهاد و استنباط داشت، مبانی و اصول در دست او بود، استدلالهای او استدلال فقهی بود.

### استدلالش فقهی بود

یک شب در منزل استاد ابراهیمی در بهسود مهمان بودیم شهید مزاری<sup>(۵)</sup> هم آنجا بود، یک آدم از دایکندی آنجا آمده سوال کرد مسئله روزه‌اش را، آنجا بحث پیچید، شهید مزاری<sup>(۵)</sup> به آیات روزه استدلال کرده گفت: از این آیات عسر و حرج فهمیده می‌شود در حالی که استاد باقری و بقیه آنجا بودند، او از نظر سواد قوه استنباط داشت، از نظر شخصیت سیاسی یک شخصیت جهانی و



منطقه‌ای بود، از نظر درک و احساسات کسی بود که در محرومیت‌های مردم خود ذوب شده بود، اما شرایط جنگی او را با لباس درویشی بین مردم ظاهر کرده بود، غرض این است که دشمن می‌خواهد از او یک آدم بی‌سواد و بی‌مبالات نشان بدهد در حالی که این گونه نبوده است و او برگردن سیاسیون، علما، فرهنگیان، تحصیل کرده‌ها و برگردن همه حق دارد، خداوند روح او را از همه ما خوشنود و راضی گرداند و خداوند این قلیل را از ما قبول کرده همه ما را مدیون شهدای ما قرار ندهد و خون مقدس آنان را به ثمر برساند.

دعای استاد و آمین حضار



## شناسه جلسه چهارم

- موضوع: سپاس و امتنان.
- مناسبت: هجدهمین سالید شهید مزاری<sup>(۵)</sup>.
- زمان: ۲۱ حوت ۱۳۹۱ هـ.ش.
- مدت سخنرانی: ۳۳ دقیقه.
- مکان: حوزه علمیه دارالمعارف اهلبیت<sup>(۴)</sup>.
- سخنران: حضرت آیت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله).







## جلسہ چہارم

لاحول و لا قوۃ الا باللہ العلی العظیم، اُفوّض امری الی اللہ ان اللہ بصیر بالعباد، الحمد للہ ربّ العالمین، باریء الخلائق اجمعین، خالق السّموات و الارضین، باعث الانبیاء والمرسلین، الصّلاة و السّلام علی النبیّ الاعظم، فخر العرب و العجم، سیّدنا و نبیّنا و مولانا ابی القاسم المصطفی محمد<sup>(ص)</sup> [صلوات حضار] و علی اہلبیتہ، الطّیّبین الطّاهرین، المعصومین، الہدات المہدیین، لاسیما بقیّة اللہ فی الارضین، روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمہ الفدا.



اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم.

قال الله تعالى في كتابه و قوله الحق:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾<sup>۱</sup>

به آنانی که از دل بوسه دادند

لب شمشیر های آبگون را

زهر رنگی برای ثبت تاریخ

پسندیدند تنها رنگ خون را

برای شادی ارواح طیبه‌ی شهدای عزیز اسلام مخصوصاً حضرت حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری<sup>(ره)</sup> و یارانش صلواتی مرحمت بفرمایید. اصلوات بلند  
حضاراً

### سپاس و امتنان

سپاس، امتنان و تشکر می‌کنم از حضور گرم و گسترده شما مؤمنین و شما وارثان شهدا در این روز سرد و بارانی که دعوت معاونت محترم فرهنگی مدرسه را لبیک گفتید و با تحمل مشقات و زحمات جلسه را نورانی فرمودید، مخصوصاً با تشکر ویژه از تشریف‌آوری اعضای دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه العالی) و ریاست محترم دفتر حضرت آیت الله العظمی سید سعید حکیم



(دام ظلّه العالی) جناب حاج آقای صادقی و سایر علمای اعلام، فرهنگیان و همچنان نمایندگان احزاب سیاسی و شخصیتهای وزین ملی و مردمی ما و همچنان با تشکر ویژه از زحمات معاونت محترم فرهنگی مدرسه که مثل سنوات پیش مجلس سال جاری را هم تدارک دیدند و مدرسه به عنوان یک دین بر خود واجب و لازم می داند که از شهدای عزیز اسلام و مدافعان سرسخت دین و شریعت و ارزشهای دینی یادآوری به عمل آورد.

### حیات جامعه

شهدا حیات جامعه است، یادبود از شهدا جامعه را به تحرک وادار می کند، برای جامعه حیات می بخشد جامعه را زنده تر می کند، وقتی که خدای منان از شهدا تقدیر کرده است بندگان هم از شهدا باید تقدیر کنند، شهدا انسانهای پاک، مهذب و منزهی هستند که خداوند منان برای آنان اجر و مقام و حیات ویژه قائل شده است.

بنده نمی خواهم زیاد وقت شما را بگیرم، فقط می خواهم تا ساعت چهار نکات مختصری را به عرض برسانم، زیرا؛ از صحبت های حضرت استاد ناطقی (حفظه الله تعالی) معاونت محترم پژوهشی مدرسه استفاده کردیم و چنانچه فرصت می بود، حضرت استاد حلیمی (دام عزه) هم صحبت می کرد، ولی وقت کم بود دوستان اصرار کردند اسم شما در اطلاعیّه باشد من هم به ناچار پذیرفتم.



## حادثه کوچک نیست

مسئله اولی که می‌خواهم عرض کنم این است که: شهادت آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> و یارانش در حادثه بسیار غمناک و المناک ۲۲ حوت سال ۷۳ خورشیدی یک حادثه کوچک نبوده و نیست، حادثه‌ای بوده که در دنیای بشریت اتفاق افتاده و می‌تواند موضوع تحقیقات محققان و پژوهشگران محافل و مجالس آکادمیک باشد، حادثه‌ای نبوده است که در دنیای جنیان اتفاق افتاده باشد یا حادثه‌ای نبوده که در دنیای ملائک اتفاق افتاده باشد، با این بوق و کرناهای فعلی مبنی بر حمایت از حقوق بشر و امثال آن که مطرح می‌گردد، باید حادثه ۲۲ حوت سال ۷۳ خورشیدی در رأس شهادت آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> یکی از موضوعات مهم و جدی در آکادمیهای علوم دنیا باید مورد بحث و مذاقه قرار گیرد.

## مربوط به جهان اسلام

ثانیاً حادثه هجده سال پیش ماه حوت غرب کابل یک حادثه جهان اسلام و منطقه شرقی است؛ این حادثه در جهان اسلام اتفاق افتاده و به حکم این که کشورهای اسلامی اعضای یک پیکر هستند و عضو یک جامعه و خانواده بزرگی بنام اسلام است باید ابعاد این فاجعه در جهان اسلام مخصوصاً موضوع بحث و بررسی قرار بگیرد و کارشناسان تاریخ اسلام و در رأس جامعه‌شناسان جوامع اسلامی می‌توانند در بحثهای جدی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی یکی از مبحثها را بایستی به شهید بزرگوار افغانستان استاد عبدالعلی مزاری<sup>(۵)</sup> و یارانش اختصاص بدهند چون این حادثه از حوادثی است که در جهان اسلام اتفاق افتاده



و حوادث بدون ریشه و بدون پیامد نبوده و نیست، مخصوصاً حادثه‌ای به آن بزرگی نیازمند شناختن عوامل و ریشه‌های حادثه و هم نیازمند معرفت آثار و تبعات آن حادثه بسیار خطرناک و غمبار است.

از طرف دیگر چون در افغانستان اتفاق افتاده است موضوع بسیار مهمی برای تاریخ نویسان امروز و فردای کشور ماست که حادثه ۲۲ حوت سال ۷۳ خورشیدی را به عنوان یک بحث بسیار همه جانبه، گسترده و پرحاشیه تاریخ افغانستان مطرح کنند، هم در تاریخ سیاسی و اجتماعی، حوزوی و دانشگاهی و هم در تاریخ اثنیکی (قومی و نژادی) که در تمامی ابعاد تاریخی واقعاً قابل دقت است و قابل بحث و قابل غور و بررسی است، ضرورت پژوهش و تحقیق می‌طلبد که سیمینارهای علمی دایر شود، می‌طلبد که پژوهش‌های دقیق تاریخی توسط مورخان که به این رشته علاقه دارند و کار کرده‌اند قرار بگیرد.

اگر خلاصه عرض بکنیم این حادثه‌ای است که در داخل یک ملیت خاصی اتفاق افتاده که جامعه‌ی شیعه و هزاره باشد، حادثه ۲۲ حوت سال ۷۳ خورشیدی می‌طلبد که جوانان شیعه و هزاره از کنار این حادثه بی‌تفاوت نگذرد، بایستی بررسی کنند ریشه‌های حادثه و پیامدها و تبعات آن را و موجی که از این حادثه ایجاد شد و سایر موجها آیا با این موج هماهنگ شد یا نشد؟ آیا موجهای دیگر با این موج در تضاد قرار گرفت یا نگرفت؟

به هر حال می‌طلبد که یکی از موضوعات بسیار جدی و محققانه‌ی محققان جامعه ما باشد، برای این که این حادثه‌ای که هجده سال پیش اتفاق افتاد، عزیزانی که آن روز یک‌ساله بودند حالا هجده ساله هستند و از آن حادثه چیزی



نمی‌دانند، حتی اطفالی که آن روز پنج شش ساله هم بودند حالا شده‌اند، بیست و چهار بیست و پنج ساله و چون کوچک بودند آن زمان، از قضایا اطلاعی ندارند، بعد مدت زمانی که بگذرد از حافظه‌ی اینها محو خواهد شد.

### لزوم تدویر سیمینارها

چنانچه تجلیله‌ها، سیمینارها و میزگردها نباشد یاد و خاطره شهدای ما و سرداران سرافراز ما و مرزبانان عقاید دینی و خاطره شخصیت‌های ملی ما فراموش خواهد شد، شما تصوّر نکنید که آن زمان ما جوان بودیم و بعد از مرحله جوانی یاد ما نمی‌رود، چنین نیست، چنانچه حوادث ارزشمند دینی و مذهبی را در پناه تحقیقات مدّون سیمینارها و سخنرانیها اگر زنده نگه‌نداریم فراموش می‌شود چه بسا که مسخ حقیقت شده ماهیتشان وارونه شود و این مطلب را بعید ندانیم.

این کار بزرگ فرهنگی به دوش فرهنگیان و مراکز فرهنگی است، همواره کسانی که دنبال تعریف تاریخ است، اشاره می‌کنم:

عزیزان و بزرگواران! حادثه‌ی عاشورا کی و چه وقت اتفاق افتاد؟ همه می‌گویند سال شصت و یک هجری، سال یازدهم هجری پیامبر گرامی اسلام (ص) از دنیا رفته بعد از ارتحال پیامبر گرامی اسلام (ص) تا حادثه عاشورا پنجاه سال فاصله هست، پنجاه سال یک عمر طبیعی است حتی در عاشورا کسانی حضور داشتند که صحابی پیامبر اکرم (ص) بودند، و پیامبر را دیده و درک کرده بودند مثل جابر بن عبدالله انصاری یعنی کسانی بودند که هم زمان پیامبر را درک کرده بودند و هم عاشورا را اما قضیه به گونه در جامعه اسلامی توسط حاکمان و جاعلان حدیث



و مزدوران حکومت مقلوب نشان داده شد که نواسه رسول الله(ص)، امام معصوم سیدالشهدا عالمیان را با بدترین شیوه و فجیعترین وضع به شهادت رساندند.

مگر شما از حسین(ع) بالاتر هستید؟ مگر انقلاب شما از انقلاب پیامبر گرامی اسلام(ص) مهمتر است؟ وقتی دفاع جانانه از میراث فکری و فرهنگی مدافعان و ارزشمندان یک مکتب نشود آهسته آهسته ماهیتش مسخ و در معرض فراموشی قرار خواهد گرفت، خدا که خداست نیاز به مُبلِّغ دارد، شما هم با برگزاری چنین جلسات با شکوه یاد دوره جهاد را، یاد دوره شهادت را گرامی بدارید، اینها هم اثرات بسیار سازنده و مفید روی جوانان و نسل آینده ما دارد و هم دین ما به پیشگاه شهدا ادا می‌شود. علیهذا تعدّد این مجالس از همه شهدا به ویژه شهید مزاری(ره) و یارانشان ما را در این مسئله کمک می‌کند و هر قدر تعدّد جلسات بیشتر گردد به نفع شهید و شهادت خواهد بود.

## محصول حوزه‌ها

موضوع دیگری که عرض می‌کنم این است که آقای شهید مزاری(ره) و اکثریت یارانش از جامعه روحانیت بودند و محصول حوزه‌های شیعه، او دست پرورده مرتبان و باغبانان راستین، صدیق و فقیه این جامعه بود، کسانی که می‌گویند مراکز علمی شیعیان حاصل نداشته یا می‌گویند که حوزه‌های علمی اهل تشیع آثار زنده‌ای از خود در جامعه نداشته است، این شهدای ما نشان می‌دهد که برجسته‌ترین حاصل و بارزترین محصول فکری و فقهی جامعه‌ی شیعی را حوزه‌های شیعه داشته و کسانی که می‌گفتند: دین یک امر شخصی است و نمی‌تواند خیزش اجتماعی ایجاد کند و در جامعه تحول بیافریند، دین نمی‌تواند مناسبات



اجتماعی را تغییر بدهد، دین نمی تواند نظام و سیستمهای حاکم و مدیریتی را ایجاد کند، مرکزهای دینی در عراق، ایران، افغانستان و جای جای کشورهای اسلامی نشان داد که دین قویترین عامل تحوّل آفرین در جامعه است، قویترین تغییر دهنده نظامهای دیکتاتوری و ساقط کننده جباره و طواغیت در تاریخ بشری است و هم مبارزان و مدافعانی که در پی نجات دین و دنیای مردم بودند از حوزه‌های علمی برخوردارند.

### برکات حوزه‌ها

پس حوزه‌های ما برکات کم نداشته چه شهدای دوره کمونستها و شهدای روحانی که ما داریم نظیر: شهید آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup>، شهید آیت الله افشار<sup>(ره)</sup>، شهید سیداسماعیل بلخی<sup>(ره)</sup>، شهید استاد مبلّغ<sup>(ره)</sup> فیلسوف و شهدای که اسامی مبارکشان به خاطرم نیست، اینها محصول و برکات حوزه‌های جامعه ما بودند، ما با این صحبت نفی نمی کنیم مبارزان دیگر اصناف و اقشار را ولی عرض می کنیم که شهید مزاری<sup>(ره)</sup> و یارانش متعلّق به جامعه دینی است که شما باشید و متعلّق به حوزه‌های علمیّه است که یکی از آن حوزه‌ها حوزه علمیّه کابل است، پس لازم است حوزه‌های علمیّه از این شخصیت تجلیل کنند و اجازه ندهند که چهره روحانی بودنش کتمان گردد، وی یک طلبه بود، درس خواند تا به مدارج بالای ارتقا پیدا کرد و رسید به جایی که در حلقات درس خارج شرکت می کرد و توان داشت، رد فروع بر اصول کند، کسانی که هم مباحثه ایشان بودند صحبت می کنند که آقای شهید مزاری<sup>(ره)</sup> در بحثهای خارج از توانای خاصی برخوردار بود.





## استادش آملی بود

حضرت آیت الله جوادی آملی (مدظله) استاد اوست، سایر استوانه‌های ارزشمند و استخوانهای برجسته حوزوی تشیع استاد شهید مزاری بودند، از افغانستان شروع تا حوزه نجف، تا حوزه قم، ایشان و امثال ایشان دست پروردگان این حوزه‌های مبارکه بودند این اساس مدرسه هر سال عکس معمم او را چاپ می‌کند و از چاپ عکس معمم وی هدف مشخصی دارد، امروز تمام دنیا بسیج شده است که شما را از حوزه و روحانیت جدا کند، امروز تمام هجمه‌های دشمن این است که ما اسلام را می‌خواهیم اما روحانیت را نمی‌خواهیم، ما با دین مخالف نیستیم با متولیان دین مخالفیم، متولیان دین فقها و مراجع هستند کسانی که حلال و حرام الهی را تبیین می‌کنند و کسانی که در مسائل مستحدثه نظر می‌دهند، یعنی: فقها و مراجع عظام تقلید، اسلام جدا از فقها، جدا از مراجع چه ارزشی خواهد داشت؟ که می‌گویند: اسلام بلی، دین بلی، اما متولیان دین را نمی‌خواهیم، امروز تبلیغ این است.

که دین منهای فقها، مراجع و روحانیت می‌خواهیم، دین منهای حوزه‌ها می‌خواهیم، تنها چیزی را که ضرور و لازم نمی‌دانند بلکه زائد و اضافی می‌دانند حوزه‌های علمیه است، می‌خواهند ترهات و خزعبلات تنقیص و کم‌نمایی کنند، حوزه نجف، حوزه قم، حوزه کابل و حوزات دیگر جهان شیعه را، امروز برای کسی که بیست صفحه کاغذ سیاه کرده دکترا می‌دهند، اما کسانی که صد و چند جلد کتاب می‌نویسند حق دکترا برایش قائل نیست، دکترایی که امروز در جهان علمی مرسوم است از بیست صفحه تجاوز نمی‌کند، فوقش چهل صفحه دفاع از دیپلوم



می‌نویسند و کاپی پیست می‌کنند، اما کسانی که صدها جلد کتابهای قطور ارزشمند نوشته‌اند برای آنها ارزش علمی قائل نیستند.

### اسلام منهای روحانیت

متوجه باشید که اسلام منهای روحانیت معنی ندارد، اسلام منهای حوزه‌ها معنی نخواهد داشت، اسلام منهای این مدافعان فداکار و کسانی که هشتاد سال، نود سال پای فقه اهل بیت<sup>(ع)</sup> محاسن سفید می‌کنند معنی ندارد، اسلام را قصابی تجزیه کرده‌اند، جزء مفید و جزء غیرمفید درست کردند، تویی اسلام را می‌خواهند، تبری‌اش را نمی‌خواهند، نماز را می‌خواهند، جهاد را نمی‌خواهند، روزه را می‌خواهند، بازار را نمی‌خواهند، اعتکاف اسلام را می‌خواهند، سیاست و اجتماع و مدیریت را نمی‌خواهند، این چگونه اسلامی است که امروزه ترویج می‌شود؟ چیزی که به مذاق آنها خیلی بد است شهید و شهادت است، جهاد و مجاهد است، در حالی که اگر جهاد را از قرآن حذف کنیم، مجاهد، شهید و شهادت را کنار بگذاریم، دیگر در قرآن چه باقی خواهند ماند؟ (نؤمن ببعض و نکفر ببعض)

### اسلام عقیم

ایمان به بعضی و کفر به بعضی یعنی چه؟ نامش هست اسلام غربی، اگر شما از حوزه‌ها، روحانیت و شهدای روحانیت و غیر روحانیت‌تان یادبود به عمل نیاورید و استقبال نکنید، متوجه این گونه حرکت‌های خزنده و خطرناک نشوید و این گونه هجمه‌ها را درک نکنید، آن وقت اسلامی باقی خواهد ماند که نه گرمایی دارد،



نه زایایی، نه پویایی، یک اسلام عقیم، اسلامی که هیچ گونه تحولی نتواند در مناسبات جامعه خلق کند، اسلامی که در تمامی قسمت‌ها نتواند اظهار نظر کند.

روزگار اول هم همین گونه بود، اسلام را می‌خواستند، قرآن را نمی‌خواستند، مخالفت با مفسران و حمله قرآن معنی‌اش چیست؟ مسلم است که معنی‌اش مخالفت با قرآن است، امروز هم اسلام را خواستن حوزه‌ها، فقها و مراجع را نخواستن معنی‌اش مخالفت با اسلام است ولو در قانون اساسی آمده است که اسلام دین رسمی ما است، در کشوری که اسلام دین رسمی او است نمی‌خواهند و نمی‌گذارند که احکام اسلام در جامعه‌اش عملی شود، قصاص اسلام، حدود اسلام و سایر احکام را نمی‌خواهند، فقط چیزی را می‌خواهند که رفتار خودشان را توجّه کند.

از اسلام رأفت، رحمت و محبت را می‌خواهند به هدف نفی جهاد، قصاص، دیات و تعزیزات، می‌گویند: محبت گناه نیست، محبت گناه نیست معنی‌اش چیست؟ آن طرف دیگر کی گفته گناه است؟ آیا محبت به اولاد گناه است؟ کی گفته گناه است، که شما می‌گویید گناه نیست، محبت مادر به فرزندان، محبت برادر به برادر را کی گفته گناه است؟ محبت همسایه به همسایه را کی گفته گناه است؟ محبت من به شما و شما به من را کی گفته گناه است؟ فقط در یک جا اسلام گفته که محبت دختر به پسر نا محرم و برعکس را گناه می‌داند فقط این جا محبت گناه محسوب است، به دلیل اثرات مخربی که دارد.

مسائلی را به خورد مردم می‌دهند که مردم زود متوجّه نشوند، خودش شیعه، اما موترش را که سوار می‌شود متوجّه نیست عقب موترش نوشته است محبت



گناه نیست، یعنی: هر دختر و پسر ولو هم نامحرم باشند می‌توانند با هم دوست باشند که وارد جزئیات قضایا نمی‌شوم.

تجلیل از شهید مزاری<sup>(ره)</sup> تجلیل از اسلام و ارزشها است، مراجع عظام تقلید بارها تأکید داشته‌اند که اسلام را جدای از روحانیت نپذیرید، در جایی که اسلام باشد ولی روحانیت نباشد آن اسلام به درد بخور نخواهد بود، نمی‌شود کسی که چند مدتی را در بخشهای تحصیل کرده باشد، بعد خویشتن را به عنوان اسلام شناس جابزند، او اسلام‌شناس نیست بلکه مصیبت ما از همین ناحیه است، دیگران علیه اسلام جرأت مخالفت صریح و علنی را ندارند، در لفافه مخالفت‌شان را مطرح می‌کنند اما کسانی که چند سال خوانده‌اند و یک دکترای اسلام‌شناسی قلابی را گرفته‌اند، آنها آمده تمام دستورات اسلامی را زیر سوال می‌برند، شدیدترین و قویترین ضربه‌ها را از لیبرالیستها و کسانی که دو روز در پای درسهای شرکت کرده‌اند و فقط دروازه‌های حوزه را دیده‌اند متحمل شده‌ایم.

### متعبّد و متشرّع

عزیزان و برادران! شما از مزاری دفاع کنید که حقش با شما است، مزاری مسلمان بود، مزاری شیعه بود پس مسلمان و شیعه باید از او دفاع کند، مزاری متعبّد و متشرّع بود، پس متشرّعین و متعبّدین باید از او دفاع کند، مزاری کسی بود که ماهای شعبان و رجب را روزه‌های مستحبی می‌گرفت اهل تنفل بود، نافله‌ی شب می‌خواند، شما که منصف به این اوصاف هستید باید از او دفاع بکنید نه کسانی که اصلاً نماز نمی‌خواند نمی‌شود کسانی که دنبال متعقدات اسلامی



نیست بگویند ما مزاری را دوست داریم، شما که مزاری را دوست دارید دنبال خودتان هستید نه دنبال شهید مزاری<sup>(۵)</sup>.

کسانی که در دوازده ماه یک روز روزه نمی‌گیرند و نماز نمی‌خوانند، بعد تجلیل شهید مزاری<sup>(۵)</sup> را می‌گیرند اصلاً مناسبت ندارد، تجلیل از شهید مزاری<sup>(۵)</sup>، تجلیل از دینداری است، اگر دیانت را از شهید مزاری<sup>(۵)</sup> برداریم، دیگر چیزی برایش باقی نخواهد ماند، آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> در آسمان دیانت تک ستاره بود که در دنیای زهد و تقوی رکورد را شکسته و بعد از معصوم کسانی که توانسته‌اند این چنین زهد و تقوای بی‌بدیل داشته باشند چند نفر بیش نیستند، آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> در افغانستان مرحوم امام<sup>(۵)</sup> در ایران و همین‌طور برخی افراد دیگر در سایر نقاط عالم.

آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> را از نظر زهد، تقوا و ساده زیستی بایستی با امام<sup>(۵)</sup> مقایسه کرد، وقتی که وی از قم حرکت کرده به طرف افغانستان، خانمش برایش گفته بوده که آقای مزاری! دختر شما یعنی: زینب لباس ندارد ایشان در جواب همسرش گفته بود که: من پول شخصی ندارم، تمامی اموال و پولهای که در نزد من موجود است مال بیت‌المال است.

این دین است یا بی‌دینی؟ به خدا قسم آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> اساسی را گذاشته است که گمان نکنم بتوانند رهبران ما بعد از شهید مزاری<sup>(۵)</sup> روی این اساس دیوار کنند، شهید مزاری<sup>(۵)</sup> در این میدان کار همه را مشکل کرده است، از آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> یک خانه و یک افغانی برجای نمانده است، رهبری که این همه نظامیان را تمویل می‌کرد، بعد برای دو متر لباس دخترش پول ندارد،



همین حالا خانواده آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> در خانه بنیاد شهید زندگی می‌کنند، آقای عیسی رحیمی با من صحبت کرد که ما رفتیم در ایران، خبر دادیم به خانواده شهید مزاری<sup>(۵)</sup> که ما می‌خواهیم بیایم خانه‌ی شما، کدام نیازمندی اگر داشته باشید، دختر شهید مزاری<sup>(۵)</sup> گفت: نیاز ما این است که ما هنوز لب تاپ نداریم درس خواندن بدون لب تاپ نمی‌شود، یک کمپیوتر لب تاپ امروز اسباب بازی شده و در هر خانه است مخصوصاً در ایران، یعنی: هنوز خانواده شهید مزاری<sup>(۵)</sup> یک لب تاپ ندارد.

### دست همه را بست

شهید مزاری<sup>(۵)</sup> کاری کرد که دست همه را بست، یک پاسنگ از زهد و تقوی برجا گذاشته است که دست همه را از پشت بست، دست رهبران، دست علما و دست همه را، پس کسی را که می‌توانیم با ایشان مقایسه کنیم فقط امام خمینی<sup>(۵)</sup> است نه کسانی دیگر، از امام هم چیزی بر جای نمانده است، یک خانه شخصی در خمین داشته تسلیم پسندیده کرده که برادرش بود از یک تکه فرش مانده بوده که او را هم به خانمش داد.

دیگر این که از بستگان امام کسی در قدرت سهیم نبود، نه وزیر شدند، نه دبیر، نه وکیل در پارلمان نه مقام دیگری به دست آوردند، وَاَلَّا بستگان او نمی‌توانستند رأی بیاورند؟ مگر نمی‌توانستند وکیل شوند؟

همچنان آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> در مدتی که این جا بود مردم را وزیر ساخت اما خودش وزارت نخواست، مردم را رئیس ساخت ولی خودش ریاست نخواست، این است معنی رهبری، او اگر حالا میبود پنج یا ده وزیر معرفی می‌کرد ولی



خودش در چوکی وزارت نمی‌نشست، این نکته رمز پیروزی او بود که با این روش دل همه را متوجه خود کرد، روزگاری که اعضای شورای مرکزی از کابل فرار کرده بودند آقای شهید مزاری<sup>(ه)</sup> این جا سنگر را حفظ کرد و محبوب دلها شد.

### رقیبی برای همه

آقای شهید مزاری<sup>(ه)</sup> در زهد، تقوا و بی‌رغبتی به دنیا بی‌بدیل بود و بی‌مثال، این گوی و این میدان! کسی که می‌تواند مثل شهید مزاری<sup>(ه)</sup> زندگی نماید از رهبران تا علما خودشان را نشان دهند، کسی نمی‌تواند مثل شهید مزاری<sup>(ه)</sup> زاهدانه زندگی نماید، مگر مزاری توان نداشت که داشت لکن نمی‌خواست، در یک جلسه‌ای در تهران آقای سید رحمت الله مرتضوی ده دقیقه به جلسه دیرتر تشریف می‌آورد مزاری می‌پرسید چرا دیر آمدی؟ آقای مرتضوی گفته بود که: موتر ندارم پیاده هستم، آقای شهید مزاری<sup>(ه)</sup> همان جا چک نوشت که بروید برای آقای مرتضوی یک موتر پیکان بخرید.

این آقایایی که می‌تواند یک موتر برای دیگران بخرد اما برای دختر دو ساله خودش نمی‌تواند دو متر لباس تهیه کند اینها ساده نیست.

### خاطره‌ای از مزاری<sup>(ه)</sup>

من خودم سیاخاک بودم، رفتم طرف گروپ حاجی محمدی شهید، نظامیها گفتند: آقای فلانی! اتاق نروید که اوضاع خراب است، چرا خراب است؟ گفت: استاد مزاری<sup>(ه)</sup> حاج عبدل محمدی را در داخل آمبولانس زندانی کرده است، حاج عبدل محمدی کسی نبود که در سیاخاک کسی دوّم او باشد، تک بود در



آنجا، گفتم: داستان چیست؟ گفتند: چند شب پیش این جا مهاجرین آمدند خبر آمد که در بین مهاجرین در یکی سماوارها مادر مزاری است، کجا می‌رود؟ گفتند: پاکستان می‌رود، آقای محمدی کسی را دنبال مادر شهید مزاری<sup>(۵)</sup> فرستاد، یک جیب را سیزده لک افغانی کرایه گرفت که مادر مزاری را به پاکستان برساند، بعد که آقای شهید مزاری آمد سیاخاک، به حاجی محمدی شهید گفت: تو چه حق داشتی که از بیت المال جیب کرایه کنی و مادر مرا به پاکستان بفرستی؟ می‌گذاشتی مادر من مثل یک مهاجر پاکستان می‌رفت، اگر همه سیلی می‌خورد، می‌گذاشتی مادر من هم سیلی می‌خورد، اگر مهاجرین در مسیر راه بمباران شود می‌گذاشتی مادر من هم بمباران شود، مادر من چه امتیازی داشت که از پول بیت‌المال صرف کردی و برای او جیب کرایه کردی و به پاکستان بردی.

ما از چنین شخصیتی داریم تجلیل می‌کنیم، آقای استاد نوید و آیت الله پروانی<sup>(۵)</sup> واسطه شدند و آقای شهید حاج محمدی را از داخل موتر آمبولانس نجات دادند.

### سه نمونه

بعد از معصوم<sup>(۴)</sup> اینگونه رفتار فقط در وجود امام<sup>(۶)</sup> در ایران و در وجود شهید مزاری<sup>(۵)</sup> در افغانستان ظاهر می‌گردد و در وجود شهید صدر<sup>(۶)</sup> در عراق، از شخصیت‌هایی که ما می‌شناسیم فقط این سه نفر می‌توانند در زهد و تقوی با هم رقابت کنند، او نه از نظر علمیت چیزی کم داشت و نه از نظر اقتدار و قدرت چیزی کم داشت لکن او رابطه‌اش را با خدایش اصلاح کرد و لذا خداوند رابطه‌ی او را با مردم اصلاح کرد.





حالا که شهید مزاری<sup>(۵)</sup> نیست، این همه جلسات در اروپا، کانادا، استرالیا و داخل افغانستان، شهرهای ایران، اینها با پولهای کدام نهاد و کدام حزب برگزار می‌شود؟ شما با کدام پول اینجا آمدید؟ معاونت محترم فرهنگی فقط دوصد تا اطلاعیه چاپ کرده بود شما را فراخوان داده و شما اینجا آمدید، این جذبه‌ی ایمانی و معنوی است، و آلاً با هیچ پولی این چنین جلسات با شکوه در سطح کشورهای منطقه و جهان دایر نمی‌شود.

### میراث مزاری

امروز حزب وحدت میراث شهید مزاری<sup>(۵)</sup> در عرصه‌ی سیاست است، مرجعیت میراث شهید مزاری<sup>(۵)</sup> در عرصه دیانت است، مرجعیت و سیاست هر دو بال صعود دهنده بدنه‌ی اسلام است، اگر ابعاد و زوایای زندگی آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> و یارانش را بشکافیم واقعاً این گونه است.

آقای شهید ابراهیمی همین گونه بود، از ایشان هم یادی کنم همین دیشب رفتم پیش دکتر رمضان کریمی رئیس محترم شفاخانه اتاترک، ایشان گفت من لحظات آخر پیش آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> و آقای شهید ابراهیمی رفتم، چون آن زمان رئیس شفاخانه جمهوریت بودم گفتم می‌توانم با موتر شفاخانه شما دو نفر را از شهر کابل بیرون کنم، آقای مزاری<sup>(۵)</sup> فرمود: من خودم بروم این مردم را کجا کنم، بعد گفتم: آقای ابراهیمی! آقای مزاری که نمی‌رود، شما را می‌توانم از شهر کابل بیرون کنم، می‌برم چاریکار، بعد می‌برم سیاگرد از سیاگرد به او طرف که خودت می‌توانی بروی، آقای ابراهیمی گفت: آقای دکتر! انصاف نیست که در این لحظات حساس که همه مزاری<sup>(۵)</sup> را رها کرده من هم رهایش کنم، می‌گفت:



از همانجا که زیرزمینی سفارت شوروی بود با آقای ابراهیمی خداحافظی کردیم، ایشان رفت سمت آقای مزاری<sup>(ه)</sup>.

ایشان هم کسی بود که در همان لحظه بدهکار بود و گرنه در اوایل انقلاب ایشان ثروتمند بود، کارخانه شیرینی داشت، هفت برادرش کار می‌کردند، خودش هم آدم بسیار فعالی بود، تجارت می‌کرد، از مسیر راه‌های پاکستان و عراق با آقای ذکی مرحوم لکن حویلی و کارخانه‌های خود را بخاطر انقلاب باخت.

سال ۷۲ خورشیدی آمد ایران، من قم بودم، گفت: آقای واعظ زاده! من که ایران آمدم پول پاسپورتم را از آقای صفدری مزار شریف قرض گرفتم، گفتم: چرا آمدی ایران؟ گفت: بخاطری که مدرسه قرضدار مانده است من اگر شهید شوم قرضداری مدرسه را کی ادا خواهد کرد، شما یک کاری بکنید، من رفتم سیرجان، کرمان، یاسوج، کهنوج و اصفهان، چهار میلیون تومان جمع کرده دادم به ایشان که خوشحال شد و آمد به سوی افغانستان، برای من از هرات، از کابل و هم از بهسود نامه نوشت که پولی را که شما جمع کرده بودید خیلی برایم کمک شد و حالا قرضداریم کم مانده است و همین طور همه این عزیزان ستاره‌های جامعه ما بودند، افتخارات جامعه اسلامی و جامعه شیعه بودند، جامعه دینی و اسلامی با اینگونه شهدا باید ببالند.

### میراث ابراهیمی

حالا از آقای ابراهیمی چه مانده است؟ یک مدرسه در بهسود بنام "مدرسه فیضیه" وصیت نامه‌ی ایشان را مطالعه کنید، از روزی که ایشان طلبه بوده در



مدرسه محمدیه آیت الله واعظ، از آن روز نوشته است که وصی من پدرم حاج ابراهیم باشد، سرمایه‌ام هم یک جلد کتاب سیوطی دو کمپل والسلام.

هر سال وصیت نامه‌اش را تجدید می‌کرد، از روزی که تازه طلبه شده بود به مرگ اعتقاد داشت، بعد اجناس سال‌های بعدی را علاوه کرده که چند تا کتاب سرمایه‌ام است، از کثرت امضا چند صفحه پُر شده است، بعد گفته که پدرم حاجی ابراهیم فوت شده است وصی‌ام استاد باقری باشد، بعد فلانی باشد، فلانی باشد، اینها معنایش تعبّد است، ایمان و تسلیم است، زهد است، برزخ و معاد باوری است، آیا یک جامعه لائیک و لامذهب می‌تواند اینگونه شهداء داشته باشد؟ اینها برای دین قیام کردند، برای دین خونشان را فدا نمودند، حالا یک عده‌ای بی‌دین از اینگونه شهداء می‌خواهند در کنار گوشه‌ها علیه دین سخن پراکنی کنند، بیایید شما دفاع کنید و اجازه ندهید که آقای مزاری<sup>(۵)</sup> و یاران او را از حوزه دین و تدین و تعبد بیرون معرفی کنند، ببخشید.

### لقب سید الشهداء

زیاد صحبت کردم از همه معذرت می‌خواهم، اجازه دهید شعری که سید غلام حسین موسوی معروف به سیاه پوش در شهادت و رثای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> در دفتر آیت الله کابلی در قم سروده بود و آنجا خواند و همه گریه کردیم دو سه تا بیتش را می‌خوانم و التماس دعا دارم، اولین کسی که لقب سیدالشهدا را به مزاری<sup>(۵)</sup> داد سید غلام حسین موسوی معروف به سیاه پوش بود، شعرش این است:

کنت لا شعب ابی معتمدی

یا سیدالشهداء فی بلدی



یا لصرح القوم اقوی العمدی

یا عزیز الشعب یا نورالنهاری

قسماً بالقدس و بالمسراء

قسماً بک یا سیدالشهداء

یا صرخة الحق علی وجه الطغاة

یا حبيب القلب یا شیخ المزاری

قسماً بالله و با السماء

و با فشار الجریح و کربلا

دعای استاد و آمین حزار

## شناسه جلسه پنجم

- موضوع: محبوبیت و ماندگاری.
- مناسبت: هفدهمین سال یاد شهید مزاری (د).
- زمان: ۲۵ حوت ۱۳۹۰ هـ.ش.
- مدت سخنرانی: ۴۰ دقیقه.
- مکان: حوزه علمیه دارالمعارف اهل بیت (ع).
- سخنران: حضرت آیت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله).





## جلسہ پنجم

لاحول و لا قوۃ الا باللہ العلی العظیم، أفوض امری الی اللہ ان اللہ بصیر بالعباد،  
الحمد لله رب العالمین، باریء الخلائق اجمعین، خالق السموات و الارضین، باعث  
الانبیاء والمرسلین، الصلّاة و السّلام علی النبیّ الاعظم، فخر العرب و العجم، سیّدنا  
و نبینا و مولانا ابی القاسم المصطفی محمد<sup>(ص)</sup> [صلوات حضار] و علی اہلبیتہ،  
الطّیّبین الطّاهرین، المعصومین، الہدات المہدیین، لاسیما بقیّة اللہ فی الارضین،  
روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمہ الفدا.



اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم.

قال الله تعالى في كتابه و قوله الحق:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾<sup>۱</sup>

برای شادی ارواح طیبه‌ی شهدای عزیز اسلام، شهدای کربلا، شهدای مظلوم افغانستان در رأس برای شادی روح بلند و ملکوتی حضرت حجت الاسلام و المسلمین شهید مزاری<sup>(ره)</sup> و یارانش صلوات زنده مرحمت بفرمائید! [صلوات بلند حضاراً].

### محبوبیت و ماندگاری

می‌خواهم در خصوص این که چگونه شد که آقای شهید مزاری رضوان الله تعالی علیه یک چنین محبوبیت پیدا کرد و یک چنین محوریت در جامعه‌ی ما ایجاد و یک چنین میراث ماندگاری از خود برجا بگذارد، در یک کلام، چه چیز از موفقیت و فلسفه‌ی ماندگاری ایشان خواهد بود؟

از کجا شهید مزاری<sup>(ره)</sup> چنین شخصیت فرا منطقه‌ای شد؟ در این که ایشان شخصیت برازنده‌ی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و محبوب همه دلها و مقبول همه اقشار می‌باشد، تردیدی وجود ندارد.





## شخصیت فرا کشوری

محصلان دانشگاه‌ها، لیسہ‌ها و مکاتب محفل می‌گیرند، روحانیت گرانقدر جلسہ تشکیل می‌دهند، سیاسیون و مدیران جامعہ ما جلسہ برگزار می‌کنند، همچنان در کشورهایی که انسان فکر می‌کند کہ اصلاً در آن جاها حسّ کشوری و حسّ عدالت‌خواهی وجود ندارد، در آن جاها ہم می‌بینیم در بیست و دوّم حوت یادبودهایی برگزار می‌شود، تمامی این موارد نشان می‌دهد کہ این شخصیت گرانقدر شخصیت کشوری و فرامنطقه‌ای شده است، در جاهای بسیار مهم از قبیل: قلب اروپا، از استانبول شروع تا ایران، پاکستان، کشمیر، بنگلادیش و جاهایی کہ به خاطر نیست، در سالیاد رهبر شهید تجلیل و مراسم برگزار می‌کنند.

## مورد توجّه شعرا و ادبا

اگر ما بخواهیم سروده‌های شعری شعرا را درباره این شخصیت بزرگوار مورد تحلیل قرار دهیم می‌بینیم کہ به اندازه رهبر شهید، هیچ کس را شعرا و ادبا مورد توجّه قرار نداده است، در حالی کہ شعرا را چیزهای ساده به سرودن شعر وادار نخواهد کرد، چرا برای دیگران شعر نمی‌سرایند؟ کہ فقط برای وی شعر می‌سرایند، شعر در محافل و منازل سلاطین قدیمی کہ سروده می‌شد به منظور صلّه و مبلغ گرفتن بود، شعرا می‌خواستند رباعی را ایراد کنند و از پادشاه پولی را در بدل اخذ نمایند، ولی ایشان کہ حالا زنده نیست و حیات ندارد تا برای شعرا صلّه و مبلغی را بدهد، ایشان حیات ندارد تا حداقل برای شعرا یک بارک الله بگویند.



پس شعرا و ادباء با توجه به آن معرفت سرشاری که دارند، در وصف او شعر می‌سرایند، تا این جا که همه ما صغرای قضیه را تقریباً اذعان داریم که نفوذ شخصیت شهید مزاری<sup>(۵)</sup> در تمام اتباع و اقشار جامعه ما غیر قابل انکار است.

### محبوب دلها

در سالیاد او می‌بینیم که زنها بیشتر از مردها شرکت می‌کنند در حالی که در همین کابل وقتی دقت کنیم در می‌یابیم که فاصله خاتم الانبیاء با اقصی نقاط کابل و دشت برچی، فاصله کمی نیست و آن جا هم جایی مناسبی برای زنان در نظر گرفته نمی‌شود، مع الوصف زنها شرکت‌شان از مردها بیشتر است، در سایر محافل فکر می‌کنیم که زنها از لحاظ تفکر سیاسی و اجتماعی برتری خاصی ندارند، اما وقتی که پای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> مطرح می‌شود، زنه‌های غرب کابل با این که اکثر شان پول کرایه موترشان را هم شاید نداشته باشند، با پای پیاده از اقصی نقاط غرب کابل و حتی شرق کابل خویشان را به محفل یادبود می‌رسانند و عکس رهبر را می‌بوسند و زیارت می‌کنند، این محبوبیت، محبوبیتی است آفتابی، پس چه علل و عواملی و چه سبب و اسبابی باعث شده است که وی این چنین محبوب قلبها و دلها شده مورد قبول همه اقشار ملت شده است.

### مورد قبول همه

واضح است که یک قشر قبول دارد برخی شخصیت‌های هم تبار خودشان را، ولی این که شخصیتی را همه اقشار ملت بپذیرد، انسان تعجب می‌کند، مثلاً برادران کویته‌ای ما، وقتی به آنجا سفر کنید، خیال می‌کنید که در این جا از هیچ مسائلی خبری نیست، فقط دنبال این است که چگونه انسان را به قهوه

خانه‌اش برده گروگان بگیرند، سوزکیها فعال می‌شود که چگونه جیب انسان را خالی کند، ولی وقتی که در رابطه با شهید مزاری<sup>(۵)</sup> قضیه مطرح می‌شود اجتماعات و نمایشگاه‌های هنری فعال شده اجتماعات عظیم برپا می‌شود.

اگر ما بگوییم که آن جا یک مردمی است، متهم به ملی‌گرایی و نشنلست بودن و امثال اینها، پس در حوزه علمیه قم که این گونه مسائل مطرح نیست، آن جا که اسلام‌گرایی‌شان مافوق ملی‌گرایی‌شان است، چرا آن جا تجلیل می‌شود، در اروپا انسان خیال می‌کند که در این جا جز سواحل و جاهای تفریحی از مسائل دیگری خبری نیست، مع‌الوصف می‌بینیم در سالگرد رهبر شهید، جلسه‌های با شکوهی برگزار می‌شود، در سویدن و جاهایی از اروپا و کشورهای اسکاندناوی این شخصیت گرانقدر تجلیل می‌شود.

وقتی مقایسه کنیم اروپا را با کوئته‌ی پاکستان، با قم، با مشهد و با افغانستان یک نقطه مشترک وجود دارد که همگی خویش را مرهون زحمات آن عزیز می‌دانند و همه از او طرفداری می‌کنند، در حالی که آن جاها تحریکاتی نیست که چنین محافلی برگزار گردد، مردم در برگزاری مراسم از جیب خودشان پول می‌دهند و هزینه پرداخت می‌کنند، بسیار خوب! ما تقریباً صغرای قضیه را اذعان کردیم که شخصیت شهید مزاری<sup>(۵)</sup> فراگیر همه اقشار و اصناف جامعه است.

در روزنامه سروش ملت یک وقتی مطالعه کرده بودم، آنجا طرح جالبی بود درباره شخصیت وی و میزان محبوبیت و عدم محبوبیت او، با بقال، دکاندار، قصاب، تعویذ نویس، روحانی و غیره مصاحبه کرده بودند، همه از استاد شهید



مزاری<sup>(ه)</sup> تعریف و تمجید کرده بودند، آدم تعجب می‌کند که این شخصیت چه کرده که در دل همه مردم، همه اتباع و اقشار جا باز کرده است.

بحمدالله کاری این شخصیت به جاهایی می‌رسد که رئیس جمهور ولو دلش هم نخواهد، یک پیام باید بدهد، ولو دلشان هم نخواهد باید در محفل او شرکت کنند و کسانی که در دلشان نسبت به منزلت و شخصیت مزاری<sup>(ه)</sup> کینه دارند، آنها هم باید بیایند و سخنان خوب و شایسته‌ای را در وصف او ایراد کنند، پس این شخصیت چه کرده است که در دل همه اقشار جا باز کرده و در محراق توجه همه اقشار قرار گرفته است.

### عوامل جاودانگی

به نظر این جانب فقره‌ی اولی که می‌تواند ما را در این مسئله‌ی سیاسی قانع بسازد، "مؤمن بودن" او است، به این معنی که شهید مزاری<sup>(ه)</sup> کسی بود که به خداوند ایمان راسخ و کامل داشت، به فرستادگان الهی مخصوصاً خاتم الانبیاء و اوصیای برحق او ایمان کامل داشت.

نه تنها ایمان به ائمه<sup>(ع)</sup> بلکه ایمان به کتاب خداوند و دستورات الهی و آموزه‌های دینی، ایشان یکی از مؤمنان متعبد و زاهد و یکی از متشرعان مسلط و کامل بود که ایمان عمیقش باعث شد تا از همه چیزش در راه خدا بگذرد و ایمان و عقیده کاملش سبب شد تا او همه چیز را فراموش کند، دنبال مقام و نام و عنوان و القاب و شهرت نباشد، دنبال موقعیتهای حزبی نباشد، فقط برای رضای خداوند کار کند و خداوند هم او را در دنیا و آخرت فراموش نکرده پاداش خواهد داد، در این خصوص غرض اثبات مطلبیم نمونه‌های را یادآور می‌شوم:



## ایثار و خودگذری

شما می‌بینید که ایشان وقتی در سازمان نصر می‌آید، سازمان نصر را به عنوان یک ابزار می‌داند، ابزار رسیدن به هدف، ابزار رسیدن به دفاع از اسلام، دفاع از حقوق مظلومان و محرومان، بعداً ایشان می‌بیند که تشکیلات و احزاب زیاد شد، سازمانها متعدّد شد، برای خیلی افراد تشکیلات و حزب مقدّس شده بود، اما ایشان وقتی این قضیه را احساس کرد، اقدام کرد که سازمان نصر را منحل کند و همکارانش را نیز به انجام چنین کاری وادار کرد، سپس اقدام کرد به احداث حزب جدیدی بنام حزب وحدت اسلامی افغانستان، ایشان اقدام می‌کند، آهسته آهسته بقیه احزاب شیعی را منسجم و از داخل کم کم کارها رونق پیدا کرد، پایگاه‌ها کم کم توحید شد، ادغام دفاتر مشکل عمده در خارج بود استاد شهید<sup>(۵)</sup> در صدد بود که چگونه دفاتر احزاب را ادغام کند، بخاطری که هر دفتری از جای خاصی نان و لوبیا می‌گرفت، همه با اتفاق گفتند: کسی که می‌تواند دفاتر را ادغام کند، آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> است، این شخصیت هم قبول کرد که من می‌خواهم دفاتر را ادغام نمایم.

چون استاد مزاری<sup>(۵)</sup> یک شخصیت مطرح بود که وی را ایران، لبنان، سوریه، عراق و جاهای دیگر می‌شناخت، مرحوم امام راحل<sup>(ع)</sup> او را می‌شناخت و سایر شخصیت‌های رده اوّل انقلاب ایران ایشان را می‌شناخت، چون همه با هم در زندان بودند و او اولین شخصی بود که همه دفاتر را در ایران ادغام کرد و موفق شد پس از ادغام دفاتر کارها را از داخل شروع کرد، لذا کنگره در بامیان برگزار شد، پس از برگزاری کنگره در بامیان اربابان و باداران خبر شدند، آمدند و گفتند: خیلی



خوب! شما بدون مشورت و مصلحت تشکیل حزب داده‌اید از ما اجازه نگرفته‌اید، رهبر شهید<sup>(ره)</sup> در جوابشان گفته بود که: ما افغانستانی هستیم و می‌خواهیم در افغانستان متحد باشیم، این مسئله که اجازه نمی‌خواهد چه لزوم دارد که از شما قبل از قبل اجازه بگیریم، اگر شما اجازه دادید متحد شویم و اگر اجازه ندادید، متحد نشویم.

### جایگاه ولی فقیه

آنگاه اربابان دیدند که وحدت را خراب نمی‌توانند بهانه‌ای دیگری آوردند و گفتند شما کاری خوبی کردید اتحاد بوجود آوردید، این کار شما یعنی ادغام دفاتر شما کار خوب است، لکن جایگاه ولی فقیه مشخص نمی‌باشد، هر کاری که در آن ولی فقیه حضور نداشته باشد، کاری بی‌معنی خواهد بود، رهبر شهید<sup>(ره)</sup> در جواب گفته بود که خودم ولی فقیه هستم، اگر مشکل به این مسئله حل می‌شود، من ولی فقیه هستم، گفته بود من از فلانی چه کم دارم، باداران همه ساکت ماندند و ایشان با یک جدیت و با درایت خاص کار را انجام می‌داد.

### کتابخانه می‌سازم

همچنان گذشتن از حزب در آن زمان و حالا هم مسئله مشکل است و مشکل بود ولی او برای منافع ملت از حزیش گذشت، در زمان سازمان نصر بچه‌های احساساتی اعتراض کردند، گفتند: حالا سازمان نصر به این حد رسیده، ما زحمات زیادی را متحمل شده‌ایم، تو چه کاره هستی، که سازمان را منحل می‌کنی؟ در جواب گفته بود که خیلی خوب! مهم نیست من هیچ کاره، همه سیمتها و منصبهای حزب را دادم به آیت الله بهشتی، صادقی نیلی، مرتضوی و غیره خودم



ماندم بیرون، گفته بود مشکل ندارد، وقتی که من بیرون از حزب ماندم کتابهای تهران را می‌آورم در افغانستان کتابخانه می‌زنم، در اقدام این کار که کسی مزاحم نخواهد شد، ببینید! خودش بانی حزب ولی بیرون از حزب مانده چون سیمتها را داده به دیگران.

### انتقال مرکزیت

همه می‌گفتند: بدون این شخصیت اتحاد شیعه و پیشرفت حزب نو تشکیل وحدت ممکن نیست او را باید در رأس بیاوریم، بالاخره احوال کردند وی را آوردند و به اتفاق آرا در غیابشان وی را دبیر حزب وحدت انتخاب کردند، وقتی این شخصیت به بامیان آمد، گفت: باید مرکزیت را در کابل بگیریم.

چون اگر ما در کابل نباشیم در هیچ نقطه افغانستان نیستیم، در کابل که باشیم همه جا هستیم، این بود که ایشان وارد کابل شد، غرض این است که آقای شهید مزاری<sup>(۹)</sup> حزب را فقط و فقط یک وسیله می‌دانست، همانند بایسکل برای رسیدن به هدف و مقصد غایی.

### امکانات را او تهیه کرده بود

یک وقتی رفتم ایران خواستم کارت شناسایی بگیرم، رفتم در بهترین موقعیت تهران یعنی پارک دانشجو و چهارراه ولی عصر<sup>(ع)</sup> دیدم دفتر بسیار خوب و مجللی وجود دارد، گفتم: این دفتر از کیست؟ گفتند: دفتر آقای استاد مزاری<sup>(۹)</sup> است، رفتم دنبال استاد شفق، گفتند: استاد شفق رفته است جای دیگر، رفتم آنجا یعنی وَنک دیدم دفتر زیباتری از آن وجود دارد، برایم گفتند: این دفتر را نیز



استاد مزاری<sup>(ره)</sup> گرفته است، جای دیگر رفته یعنی تجریش دیدم ساختمان مجلی دیگری است، از هر دو ساختمان زیباتر، برایم گفتند: این دفتر را نیز آقای شهید مزاری<sup>(ره)</sup> گرفته و محل نشر و تدوین مجله "حبل الله" قرار داده است، به رفیقم گفتم: همه این کارها را او انجام داده، شما چه کرده‌اید؟

گفتند: این بلندگو را فلانی از آلمان آورده است، گفتم: خیلی خوب! پس همه زحمات مرهون او است و شما فقط یک پایه بلندگو درست کرده‌اید، غرضم این است که او همه کارها را انجام داد ولی در بند این نبود که مقام، نام، سیمت و منصب کسب کند با همان یک واسکت بره‌کی‌اش در کاخ ریاست جمهوری می‌رفت، پهلوی خامنه‌ای می‌نشست مشکل هم نداشت، خداوند او را محبوب ساخت.

### پاداش خداوند

این جانب اعتقاد بر این است که شهید مزاری<sup>(ره)</sup> و آن شخصیت بزرگوار بخاطر خدا کار می‌کرد، نه برای رسیدن به نام، نشان، مقام و اصلاً در پی منصب و مقام نبود، بنده خدای که چهل سال برای خدایش مخلصانه کار کرد و خدا هم او را مطرح کرد، گویا فرموده: ای بنده فدا کار! که در این چند سال مخفی کار کردی و زحمت کشیدی و دنبال نام، نشان، مقام، منصب و چوکی نبودی، من می‌خواهم بعد از مرگت تو را برای همیشه زنده نگهدارم و نامت را در زبانها جاری ساخته ابدی نمایم.

خداوند او را به اندازه مطرح کرده که شاید رفقاییش نمی‌خواست که وی به این میزان مطرح شود، باورم بر این است که اعتقاد شهید مزاری<sup>(ره)</sup> به خداوند





مستحکم بوده و برای خداوند مخلصانه کار کرد خداوند هم او را به این میزان مطرح و محبوب القلوب ساخت.

### پول شخصی ندارم

شما می‌دانید که وی یک افغانی هم در زندگی‌اش ذخیره نکرده بود، برخیزها نقل می‌کنند که وقتی آقای شهید مزاری<sup>(۵)</sup> از قم به طرف کابل می‌خواست حرکت کند، خانمش آمده بود و گفته بود که: آقای مزاری<sup>(۵)</sup> این دختری که تازه بدنیا آمده و دو سه ماهه است لباس ندارد، لطفاً برایم یک مقدار پول بدهید که برایش لباس درست کنم، رهبر شهید<sup>(۵)</sup> در جواب خانمش گفته بود که: من پول شخصی ندارم این پولهایی که در نزدم هست همه پولهای بیت‌المال است، پول دیگری در نزدم نیست، گفته بود: همان پیراهن خودم را پاره کن و برای دخترم لباس درست کن! هنگامی که شهید مزاری<sup>(۵)</sup> به شهادت رسیده بود در تمامی شهرها و مخصوصاً شهر قم غوغا ایجاد شده بود، بعد از شهادت شهید مزاری<sup>(۵)</sup> خانواده او در بنیاد شهید زندگی می‌کردند، کشور ایران برای خانواده شهدا یک اتاق و یک مقدار فرش و ظرف داده بود.

### متشرّع و متعبّد

در باب تعبّد و بندگی شهید مزاری<sup>(۵)</sup> نیز همه شما می‌دانید که او سخت متعبّد و متشرّع بود، وی ماه شعبان، رجب و رمضان را تماماً روزه می‌گرفت، طلاب همدرس و همکلاسی‌شان همه حکایت می‌کنند که ایشان در میان همه طلاب متعبّدترین بود و از همه‌ی ما فوق‌العاده مؤمن و مخلص بود.



خداوند مَنان هم به پاس این که از بنده مخلصش یادی کرده باشد، او را این چنین مطرح می‌نماید که همه شما شاهد هستید، در زمان حیاتش رهبر شهید<sup>(ره)</sup> را کسی رقیب خود حساب نمی‌کرد، حالا همان رقیبان حیران مانده‌اند که رمز جاودانگی وی چه بود؟

در زمان حیاتش وقتی که وی از جایی می‌آمد، رقیبانش می‌گفتند: مردک چشم سبز آمد، ولی او برعکس رقبایش از بُعد رقابت منفی وارد نشد، کار و فعالیتش همه برای رضای خداوند بود، ایمان و عقیده خالصانه او سبب شد کسانی در فراق او اشک بریزند که او را ندیده‌اند، لذا عمده‌ترین عامل جاودانگی و مطرح شدن وی همان تعبد و کار خالصانه وی خواهد بود: «من اخلص لله ینموا» کسی که به خاطر خداوند کار کند، خداوند کار او را پر ثمر خواهد.

### اطلاع از تاریخ

یکی از عوامل دیگری که شهید مزاری<sup>(ره)</sup> را نسبت به دیگران مطرح‌تر و شاخص‌تر ساخته است مسئله اطلاعات او از تاریخ اسلام و جهان بود، وی از تاریخ اسلام و جهان اطلاعات کامل داشت مثل کسی نبود که حتی حدود اربعه کشور خودش را نداند، کتابهای متعدّد تاریخی را خودش شخصاً اقدام به چاپشان می‌کرد، در کنار این ویژگیها مسئله‌ی جدّیت ایشان به مسائل عزت خواهی اسلام بود، یعنی ایشان علاوه بر این که پایبند به مسائل عبادی از قبیل روزه، نماز، اعتکاف و غیره بود، توجّه جدّی به حکومت و مردمش نیز داشت و از بُعد حکومت-داری و نظام دولت نیز اطلاعات کامل داشت و نیز توجّه جدّی به مردم و حکومت زمان داشت و به بُعد مدیریتی جامعه اهتمام داشت.



## انقلابی قبل از انقلاب

همچنان ایشان انقلابی قبل از انقلاب بود، وی در سال ۵۸ هـ.ش دو سه حزب را گذرانده بود و سازمان نصر حزب دوّم او بود یعنی قبل از آن به وسیله دو ابزار دیگر مبارزه کرده بود ولی برخی افرادی دیگری که ادعای بلند هم دارند تشکیل حزبشان در سال ۵۸ هـ.ش است، اما شهید مزاری<sup>(۵)</sup> در سال ۵۸ هـ.ش دو حزب را گذرانده بود.

## هفت قاطر

همچنین در باب جدیت، شهامت و شجاعت وی برخی از مجاهدین نقل می‌کنند که زمانی که از مرزهای بیرون اسلحه می‌آوردند در بین راه یک قاطر یاغی شده بود هر چه بچه‌ها زحمت کشیدند نتوانستند بگیرند پیش رهبر شهید<sup>(۵)</sup> گفتند: استاد! قاطر یاغی شده نتوانستیم بگیریم، گفت: عجب! صد و چند نفر مجاهد نمی‌توانید یک قاطر را بگیرید، خودش رفت قاطر را گرفته آورد برای مجاهدین و گفت: این قاطر شما! شما که قادر نیستید یک قاطر را مهار کنید فردا هفت قاطر از پاکستان می‌رسد آیا قادر هستید با آنها مبارزه نمایید؟ اگر رهبر شهید<sup>(۵)</sup> نبود این قاطران سرکش مهار ناشدنی بود، خداوند روح آن شهید والا مقام را از ما و شما خوشنود گرداند.

دعای استاد و آمین حضار



## آثار چاپ شده

- ۱- تفکر و تعقل پاسخگوی پندار خرافات.
- ۲- المختصر-تلخیص اصول المظفر(ره).
- ۳- افغانستان در آزمون زمان.
- ۴- در کلاس عقاید.
- ۵- نیمرخی از حادثه عاشورا.
- ۶- دروس فی علم الرجال.
- ۷- دروس فی علم الدرايه.
- ۸- مهدی خویشاوند جهان. (چاپ پنجم)
- ۹- جایگاه اهل البیت(ع) در سوره هل ائی (چاپ دوم)

- ۱۰- جایگاه اهل البیت(ع) در آیه‌ی مباحله.
- ۱۱- شیخ الائمہ (نگاهی گذرا به زندگی امام جعفر الصادق(ع)). (چاپ دوم)
- ۱۲- جایگاه اهل البیت(ع) در آیه‌ی انفاق. (چاپ دوم)
- ۱۳- جایگاه اهل البیت(ع) در آیه‌ی نور. (چاپ دوم)
- ۱۴- شب سرنوشت (تفسیر سوره مبارکه قدر).
- ۱۵- رفع اتهام.
- ۱۶- رساله آموزشی احکام (مسائل نماز).
- ۱۷- رساله آموزشی احکام (مسائل وصیت).
- ۱۸- رساله آموزشی احکام (مسائل خرید و فروش).
- ۱۹- رساله آموزشی احکام (مسائل مضاربه و شرکتها).
- ۲۰- رساله آموزشی احکام (مسائل بانوان).
- ۲۱- رساله آموزشی احکام (مسائل حقوق).
- ۲۲- رساله آموزشی احکام (مسائل خمس).
- ۲۳- رساله آموزشی احکام (مسائل هبه و تملیک).
- ۲۴- رساله آموزشی احکام (مسائل جمعه و جماعت).
- ۲۵- رساله آموزشی احکام (مسائل زکات).
- ۲۶- رساله آموزشی احکام (مسائل حج).
- ۲۷- رساله آموزشی احکام (مسائل تقلید).
- ۲۸- رساله آموزشی احکام (مسائل طهارت).
- ۲۹- عطای الهی (تفسیر سوره مبارکه کوثر).
- ۳۰- انسان در مسیر خسران (تفسیر سوره مبارکه عصر).
- ۳۱- خداوند یکتا (تفسیر سوره مبارکه توحید).

## آثار در دست چاپ:

- ۱- ده سخن.
- ۲- اخلاق اجتماعی اسلام (تفسیر سوره حجرات).
- ۳- قریه های ظاهره.
- ۴- گوهر و حقیقت دین.
- ۵- قلمروهای دین.
- ۶- وصایای امیرالمؤمنین (ع).
- ۷- شرح خطبه‌ی غراء.
- ۸- جغرافیای افغانستان.
- ۹- فقه الاحکام در پنج جلد (کتاب الصلاة).

(تقریرات خارج فقه مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی دام ظلّه  
العالی )

- ۱۰- نصوص عاشورا در دو جلد.
- ۱۱- جایگاه اهل البیت<sup>(ع)</sup> در آیه‌ی تطهیر.
- ۱۲- جایگاه اهل البیت<sup>(ع)</sup> در آیه‌ی مودت.
- ۱۳- جایگاه اهل البیت<sup>(ع)</sup> در آیه‌ی ولایت.
- ۱۴- جایگاه اهل البیت<sup>(ع)</sup> در آیه‌ی سابقون.
- ۱۵- نظام فکری و عملی شیعه.
- ۱۶- سیره رسول اکرم (ص).
- ۱۷- درس‌های اخلاق.
- ۱۸- شرح خطبه اشباح.
- ۱۹- شرح خطبه متقین.
- ۲۰- شرح خطبه قاصعه.
- ۲۱- شرح خطبه یکم.
- ۲۲- شرح خطبه مسجد فاطمه (س).
- ۲۳- شرح خطبه فدکیه فاطمه (س).
- ۲۴- نظارت عمومی جامعه (امر به معروف و نهی از منکر)
- ۲۵- توسل.
- ۲۶- شبهات مدرن در بستر عاشورا.